



حدیث ہمدلی

وحدت در سیرۃ امام رضا (علیہ السلام)



آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات اسلامی

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی
عنوان: حدیث ہمدلی
نویسنده: مهدی مسائلی
ویراستار: زینب سادات حسینی
طراح گرافیک: امین کوثری
چاپخانه: مجتمع چاپ و نشر روزنامہ قدس
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: چہارم
نشانی: حرم مطہر، صحن جامع رضوی
ضلع غربی، مدیریت فرهنگی
صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷
حق چاپ محفوظ است.

- سرشناسہ : مسائلی، مهدی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور : حدیث ہمدلی: وحدت در سیرۃ امام رضا (علیہ السلام) / مؤلف مهدی مسائلی؛
به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی؛ تهیه و تدوین اداره تولیدات
فرہنگی [آستان قدس رضوی]؛ ویراستار زینب سادات حسینی .
مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاہری : ۵۶ ص .
شابک : ۹۷۸-۶۰-۲۹۹-۲۷۷-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : چاپ سوم .
یادداشت : کتابنامہ: ص ۵۸ - ۶۱؛ همچنین به صورت زیرنویس .
عنوان دیگر : وحدت در سیرۃ امام رضا (علیہ السلام) .
موضوع : علی بن موسی (علیہ السلام)، امام ہشتم، ۶۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- دیدگاہ دربارهٔ
وحدت اسلامی
موضوع : Ali ibn Musa, Imam VIII -- Views on Islamic unity
موضوع : وحدت اسلامی
موضوع : Islam -- Unity
شناسۂ افزودہ : مؤسسۂ انتشاراتی قدس رضوی . معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسۂ افزودہ : آستان قدس رضوی . اداره تولیدات فرہنگی
شناسۂ افزودہ : مؤسسۂ انتشاراتی قدس رضوی
ردہ بندی کنگرہ : ۱۳۹۵ ح ۴ م ۳۵ / ۴۷ BP
ردہ بندی دیویی : ۲۹۷ / ۹۵۷
شمارہ کتابشناسی ملی : ۴۴۱۶۴۹۱



فهرست مطالب

مقدمه	۴
فصل اول: وحدت اسلامی چیست؟	۵
مقصود از وحدت	۶
اهتمام ائمه علیهم السلام به وحدت امت اسلامی	۸
تعامل و هم‌اندیشی مسلمانان	۱۲
فصل دوم: تجلی وحدت در سیره رضوی	۱۵
حفظ وحدت امت اسلام	۱۶
توجه به تقریب مذاهب اسلامی	۱۸
فصل سوم: در مسیر وحدت اسلامی	۴۳
تأکیدات مراجع تقلید بر لزوم وحدت اسلامی	۴۴
داعش: اسلام آمریکایی و تشیع انگلیسی	۴۶
تفاوت شهادت طلبی و انتحار	۴۸
کتابنامه	۵۰
مسابقه فرهنگی «حدیث همدلی»	۵۲

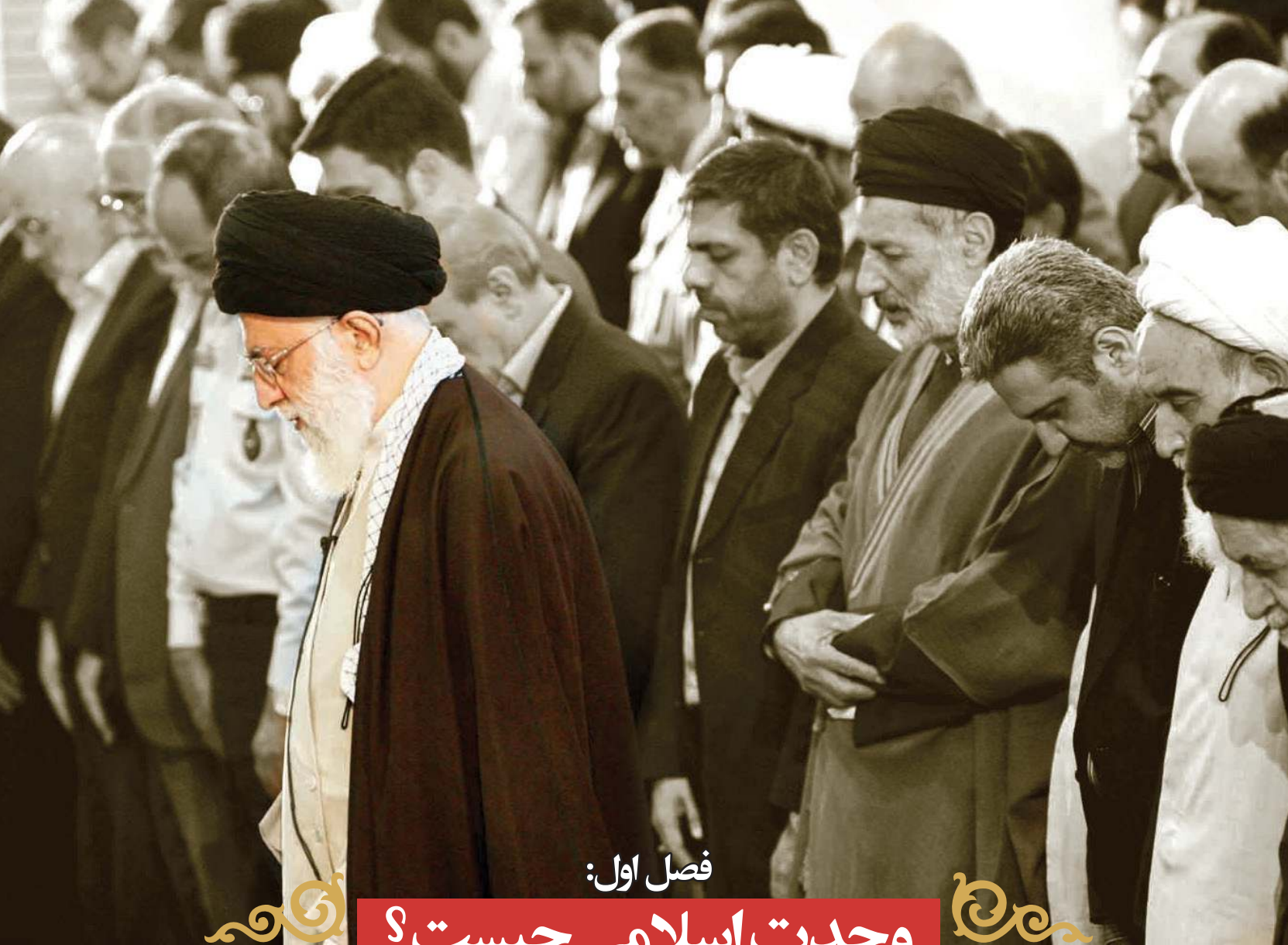
مقدمه



وحدت و انسجام یکی از لوازم رشد ملت‌هاست که بدون آن، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به کمال واقعی خویش نزدیک شود. یکی از درس‌های مهم تاریخ و تجربه بشری و رهنمود قرآن و حدیث هم این است که وحدت و همبستگی در هر مکان و هر زمان، میان هر ملتی وجود داشته باشد، برای آنان عزت و کامیابی و پیروزی فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، تفرقه و تشّت و اختلاف و چنددستگی نیز در هرجا و هرگاه و در هر گروهی رخ دهد، ضعف و زبونی و شکست و ناکامی را به دنبال خواهد داشت. این سنت تغییرناپذیر تاریخ است و مسلمان و غیرمسلمان و شرقی و غربی و دیروز و امروز نمی‌شناسد.

از این روست که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به عنوان هادیان امت اسلامی، همواره در پی تحقق این معنای عظیم بوده‌اند و کلام و سیره و رفتار آن بزرگواران، شاخص‌ترین الگوها برای تحقق انسجام اسلامی است. پس چه بیراهه می‌رود کسی که ادعای پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام را داشته باشد و این راه و مسیر را دنبال نکند!

نوشتار حاضر به بررسی سیره و بیانات خورشید هشتم آسمان ولایت، حضرت امام رضا علیه‌السلام در این زمینه می‌پردازد و امید است که راه‌گشای کسانی باشد که روش و سلوک اهل بیت علیهم‌السلام را الگوی زندگی خویش قرار داده‌اند.



فصل اول:

وحدت اسلامی چیست؟

مقصود از وحدت



همه می‌دانیم که امروز موضوع تفرقه و دشمنی میان مسلمانان، به معضل و دغدغه اول جهان اسلام تبدیل شده است و این موضوع، تاکنون خسارت‌های جبران‌ناپذیری را برای امت اسلامی به همراه داشته است؛ از این‌رو توجه به وحدت اسلامی در رفتارهای مذهبی و دینی اهمیتی بیش از پیش یافته است و شاید مصلحت آن، بر همه مصالح دینی برتری داشته باشد. با این حال، با گذری در میان امت اسلامی خواهیم دید که همه جریان‌ها و گروه‌ها خود را طرفدار وحدت اسلامی معرفی می‌کنند و حتی تفرقه‌افکنان نیز رفتارهای خویش را در راستای وحدت اسلامی می‌دانند! پس باید ابتدا معنای وحدت اسلامی مشخص شود و بدانیم مقصود از آن چیست؟

حقیقت این است که بعضی از گروه‌ها وحدت اسلامی را به معنای وحدت مذهبی تفسیر می‌کنند. وحدت مذهبی به این معناست که در میان امت اسلامی فقط یک مذهب وجود داشته باشد و از این جنبه، مسلمانان با یکدیگر اختلاف نداشته باشند. این وحدت به دو شیوه می‌تواند به وجود آید:

۱. از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود و مثلاً همه مسلمانان شیعه شوند.
۲. مشترکات همه مذاهب گرفته شود و اختلافات همه آن‌ها کنار گذاشته شود و به این صورت، مذهب جدیدی اختراع شود که عین هیچ‌یک از مذاهب موجود نباشد.

بدیهی است که این‌گونه تفسیر از وحدت اسلامی، یعنی ایجاد تفرقه و دشمنی بیشتر و اینکه مسلمانان با یکدیگر بجنگند تا اندیشه خویش را بر جهان اسلام حاکم کنند. با این رویکرد، نه فقط جنگ و دشمنی در روابط میان مذاهب اسلامی حاکم می‌شود، بلکه در درون هر مذهب نیز افکار و سلیقه‌های مختلف به جان یکدیگر می‌افتند تا در فضای مذهبی، اندیشه خویش را حاکم کنند.

محققان وجود تفاوت افکار و حتی سلیقه‌ها در میان مذاهب و متفکران و علمای اسلامی امری طبیعی است و هیچ‌گاه نمی‌توان میان انسان‌های متفکر، وحدت فکری و نظری به وجود آورد؛ مگر آنکه در جامعه نفاق و دورویی حکم فرما شود. با این حال، وحدت‌ستیزان

توجه به وحدت اسلامی

در رفتارهای مذهبی و

دینی اهمیتی بیش از

پیش یافته است و شاید

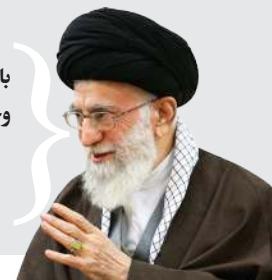
مصلحت آن، بر همه

مصالح دینی برتری

داشته باشد

باید هوشیارانه و بادقت در مقابل این توطئه و تفرقه افکنی ایستاد و نگذاشت
وحدت شیعه و سنی و کرد و عرب در عراق خدشه دار شود.

دیدار نخست وزیر عراق با رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، ۲۷ خرداد ۱۳۹۴



متأسفانه همواره افرادی

از روی بی اطلاعی یا

غرض ورزی، وحدت

اسلامی را به معنای

وحدت مذهبی تفسیر

می کنند تا به این

وسيله اعتراض ها و

جبهه گیری هایی را در

مقابل این هدف بزرگ و

عالی به وجود آورند

و تفرقه افکنان از دو جنبه متفاوت، از مفهوم وحدت اسلامی بهره می برند: بُعد اول مربوط به تخریب معنای صحیح وحدت اسلامی است. متأسفانه همواره افرادی از روی بی اطلاعی یا غرض ورزی، وحدت اسلامی را به معنای وحدت مذهبی تفسیر می کنند تا به این وسیله اعتراض ها و جبهه گیری هایی را در مقابل این هدف بزرگ و عالی به وجود آورند. مثلاً بعضی از جریان های وحدت ستیز در درون شیعه، وحدت اسلامی را به معنای پذیرش اعتقادات اهل سنت و دست کشیدن از عقاید و رفتارهای مذهبی شیعه تفسیر کرده و فعالان عرصه وحدت را به سنی گری متهم می کنند؛ اما بُعد دیگر این است که، همین عده از وحدت مذهبی طرف داری می کنند: به این معنا که آن ها تحقق واقعی وحدت اسلامی را فقط با شیعه شدن سایر مسلمانان ممکن می بینند.

متأسفانه این نگاه نادرست به وحدت اسلامی، همان برداشت وهابیت از وحدت اسلامی است؛ زیرا وحدت از نظر وهابیون و بعضی افراطیون اهل سنت، به این معناست که همه مسلمان ها، چه شیعه و چه سنی، باید اندیشه آن ها را بپذیرند و وهابی شوند و از طرفی با همین نگاه و رویکرد، همایش وحدت اسلامی برگزار می کنند! حتی جریان های مزدوری همچون داعش نیز با رویکرد حاکم کردن اندیشه خویش بر جهان اسلام، نقشه واحدی از جهان اسلام ارائه داده و با حذف مرزهای جغرافیایی کشورها، همه مسلمانان را به بیعت با خلیفه خویش فرا می خوانند تا به خیال خامشان با یکی ساختن اعتقادات مسلمانان، وحدت بین آن ها حاصل شود. حقیقت این است که در میان شیعیان نیز وحدت اسلامی به معنای یکسان شدن اعتقادات مسلمانان است. به دیگر سخن، برخی بر این باورند که باید همه مسلمانان شیعه شوند؛ بلکه فراتر از این، همه آن ها باید دیدگاه و رفتار و حتی عادت های این افراد را بپذیرند!

با این مقدمه، باید بر این نکته تأکید کنیم که منظور علمای روشن فکر اسلامی از وحدت، هیچ گاه وحدت مذهبی و یکسان سازی افکار و سلیقه ها نبوده است و نیست. برای تحقق وحدت لازم نیست از عقاید مذهبی خود دست کشیم یا بر سر اصول و حتی فروع اعتقادی کوتاه آییم؛ چرا که بر طبق سیره و فرمایشات اهل بیت (علیهم السلام) هدف و مقصود و معنای وحدت اسلامی این است:



ما از اول انقلاب تا امروز، دائم دستِ دوستی را به سمت ملت‌های مسلمان و به سمت دولت‌های مسلمان دراز کردیم؛ دعوت کردیم به اتحاد، به وحدت، به ایستادگی در مقابل توطئه‌های دشمن.

بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۱ مرداد ۱۳۹۵

حَدِيث

آذر ۱۳۹۶

ویژه هفته وحدت

۱. اهتمام ائمه علیهم‌السلام به وحدت امت اسلامی

امت واحده اسلامی بدان معناست که مسلمانان با وجود اختلافات مذهبی و فکری، در اصل دین اسلام با یکدیگر اشتراک دارند و باید با درک اشتراکات اسلامی و تأکید بر آن‌ها، امت واحده اسلامی را تشکیل دهند و ضمن تقویت یکدیگر، به مصاف دشمنان اسلام بروند و بی دلیل نیروی خویش را صرف دشمنی و مخاصمه با هم نکنند. این حکمی عقلی و استدلالی محکم است که قرآن کریم نیز بر آن تأکیدی فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾^۱

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه، به خدایی نپذیرد...»

این آیه، ندای وحدت است، در برابر تمام مذاهب آسمانی و توحیدی، بر اساس اصل مشترک میان آن‌ها، یعنی توحید. توضیح بیشتر اینکه: یهودیان و مسیحیان و مسلمانان در اصول مهمی همچون توحید و نبوت پیامبران الهی اشتراک نظر دارند؛ از این رو از آن‌ها با عنوان ادیان توحیدی یاد می‌شود. عقل و شرع حکم می‌کنند که این ادیان توحیدی باید در مقابل دشمنان توحید و رسالت الهی در یک جبهه قرار گیرند و دست‌در‌دست هم در راه اعتلای کلمه توحید بکوشند؛ پس در این مسیر نباید با دشمنان توحید همدست شوند و با پیش کشیدن اختلافات میان خویش، در راه حذف اندیشه‌های توحیدی قدم بردارند؛ زیرا مسلماً اگر توحید، این سنگ بنای ادیان الهی زیر سؤال برود و تضعیف شود، مطرح کردن خصوصیات دینی دیگر، بی ارزش و بی فایده خواهد بود.

بر همین مبنا همه مسلمانان نیز باید بدانند که با پذیرش کلمه توحید و اقرار به نبوت پیامبر اسلام ﷺ تحت لوای اسلام قرار گرفته‌اند و موظف‌اند همه توان خویش را در راه اعتلای این حقیقت ناب به کار گیرند؛ پس در این راه نباید اختلافات میان خویش را اصل قرار داده و اسلام، این اصل مشترک و مهم میان خویش را فراموش کنند و خدای ناکرده، ناخواسته در مسیر تضعیف امت اسلامی قدم

۱. آل عمران، ۶۴.

امت واحده اسلامی
بدان معناست که
مسلمانان با وجود
اختلافات مذهبی و
فکری، در اصل دین
اسلام با یکدیگر اشتراک
دارند و باید با درک
اشتراکات اسلامی و
تأکید بر آن‌ها، امت
واحده اسلامی را
تشکیل دهند

بردارند! پرواضح است که منفعت چنین عملی برای دشمنان اسلام و ضررش برای همه مسلمانان است. از این منظر می توان سکوت امام علی علیه السلام، صلح امام حسن علیه السلام و حتی پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا علیه السلام را در راستای حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان دانست. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام خود، در این باره فرموده اند:

فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَالِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكِ دِمَائِهِمْ وَ النَّاسِ حَدِيثُو عَهْدٍ بِالْإِسْلَامِ وَ الدِّينِ يَمْخَضُ مَخَضَ الْوُطْبِ يُفْسِدُهُ أَذْنَى وَ هُنَّ وَ يَعْكِسُهُ أَقْلُ خَلْقٍ^۱

با خود اندیشیدم و دیدم که صبر [بر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین] برتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان؛ چراکه مردم، تازه مسلمان بودند و دین به مشکی می مانست که کمترین سستی، آن را تباه و ناتوان ترین مردم، آن را وارونه می کرد.

سخن آن حضرت علیه السلام در نامه ۶۲ نهج البلاغه نیز همین معنا را می رساند:

به خدا سوگند هرگز فکر نمی کردم و به خاطر م خطور نمی کرد که عرب بعد از پیامبر، امامامت و رهبری را از اهل بیت او بگردانند و [در جای دیگر قرار دهند و باور نمی کردم] آن ها آن را از من دور سازند!... دست بر روی دست گذاردم تا اینکه با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و می خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود کنند. [اینجا بود] که ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم، شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از رها کردن خلافت و حکومت بر شما بزرگ تر بود؛ چراکه این بهره دوران کوتاه زندگی دنیاست که زایل و تمام می شود؛ همان طور که سراب تمام می شود یا همچون ابرهائی که از هم می پاشند. پس برای دفع این حوادث به پا خاستم تا باطل از میان رفت و نابود شد و دین پا برجا و محکم شد.

همچنین گزارش شده است پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابوسفیان به منظور ایجاد اختلاف میان مسلمانان، نزد امام علی علیه السلام آمد و به ایشان پیشنهاد داد که با اهل سقیفه بجنگد و گفت: «دستت را بده تا من با تو بیعت کنم.» علی بن ابی طالب علیه السلام که از نیت او آگاه بودند، دعوتش را رد کرده و فرمودند: «تو از این کارها جز فتنه چیز دیگری نمی خواهی و مدتی است طولانی

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۶۲.

با خود اندیشیدم و

دیدم که صبر برتر است

از به هم زدن وحدت

مسلمین و ریخته شدن

خونشان؛ چراکه

مردم، تازه مسلمان

بودند و دین به مشکی

می مانست که کمترین

سستی، آن را تباه و

ناتوان ترین مردم، آن را

وارونه می کرد



که با اسلام به بدی رفتار کرده‌ای و ما احتیاج به خیرخواهی تو نداریم.»^۱

شیخ مفید رحمه نیز در الارشاد همین مفهوم را از زبان امیرالمؤمنین نقل کرده است که در پاسخ به ابوسفیان فرمودند: «ای ابوسفیان، بازگرد. قسم به خدا که در آنچه می گویی، خدا را نمی خواهی! همیشه برای اسلام و مسلمانان نقشه کشیده‌ای. ما الان مشغول [غسل و کفن و دفن] رسول خدا هستیم.» با این حال، ابوسفیان اختلاف مسلمانان در زمینه جانشینی پیامبر اعظم را به خوبی دریافت و درباره آن چنین ارزیابی کرد: «طوفانی می بینم که جز خون، چیز دیگری نمی تواند آن را خاموش کند!»^۲

آری، حفظ امت اسلامی از خطرها و جلوگیری از سوءاستفاده دشمن از تفرقه میان مسلمانان، آن قدر مهم است که اهل بیت در این راه، حتی از خلافت و حاکمیت ظاهری خویش بر مسلمانان نیز می گذشتند؛ اما حالا چه شده است که عده‌ای از شیعیان جاهل چشم بر روی همه واقعیت‌ها می بندند و با نام طرف داری از مکتب اهل بیت بر آتش فتنه‌های مذهبی می دمند و به تضعیف امت اسلامی کمک می کنند؟!

تفرقه افکنان باید بدانند که امیرالمؤمنین، امام علی برای اینکه خطری امت اسلامی را تهدید نکند، در برخی از جنگ‌ها مانند جنگ با ایران و روم و فتح بیت المقدس، به خلفا مشورت دادند و حتی بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین از خلیفه دوم خواستند که در جنگ میان ایران و مسلمانان جانش را به خطر نیندازد؛ بلکه در مدینه بماند و فرماندهی سپاه اسلام را برعهده نگیرد. در خطبه ۱۳۴ نهج البلاغه آمده است که حیدر کرار در پاسخ خلیفه دوم که در سال ۱۵ ق برای شرکت در جنگ با رومیان از آن حضرت مشورت خواست، فرمودند:

هرگاه خود به جنگ دشمن روی و با آنان روبه‌رو شوی و آسیبی ببینی، مسلمانان تا دورترین شهرهای خود، دیگر پناهگاهی ندارند و پس از تو، کسی نیست تا به او رو آورند. مرد دلیری را به سوی آنان روانه کن و جنگ آزمودگان و خیرخواهان را همراه او کوچ ده. اگر خدا پیروزی داد، چنان است که تو دوست داری و اگر کار دیگری مطرح

۱. محمدبن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۳۷؛ محمدبن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. نک: محمدبن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۳۷؛ جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص ۱۴۵.



حج مظهر وحدت اسلامی است. رنگ‌های مختلف، پوست‌های مختلف، ملیت‌های مختلف، شناسنامه‌های مختلف، مذاهب مختلف، سلیقه‌های مختلف، همه در کنار هم و مثل هم، همه باهم طواف می‌کنند، باهم سعی می‌کنند، باهم در عرفات و مشعر وقوف می‌کنند. این وحدت خیلی چیز مهمی است.

بیانات در دیدار با مسئولان و دست‌اندرکاران حج، ۳۱ مرداد ۱۳۹۴

شد، تو پناه مردمان و مرجع مسلمانان خواهی بود.^۱

پرواضح است که این سیره قطعی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اختصاص به آن حضرت نداشته است و تمام ائمه شیعه (علیهم السلام) چنین رفتاری را وظیفه اصلی خویش می‌دانسته‌اند؛ چنان‌که امام حسن (علیه السلام) نیز درباره صلحشان با معاویه فرموده‌اند:

إِنَّ مُعَاوِيَةَ نَازَعَنِي حَقًّا هُوَ لِي فَتَرَكْتُهُ لِصَلَاحِ الْأُمَّةِ وَ حَقِّنِ دِمَائِهَا.^۲

همانا معاویه درباره حقی که مخصوص من است، با من به منازعه برخاست؛ ولی من آن را ترک کرده و به معاویه واگذار کردم؛ زیرا صلاح امت اسلامی و حفظ جان مسلمانان را در این کار دیدم.

توجه به دعای ۲۷ صحیفه سجادیه که برای مرزداران اسلام است، درس‌های فراوانی درباره امت واحد اسلامی فراوری ما قرار می‌دهد. امام سجاد (علیه السلام) در این دعا برترین پاداش‌های الهی را برای مرزداران طلب کرده و خواستار امدادهای غیبی خداوند متعال برای مرزداران سرزمین‌های اسلامی شده‌اند. آن حضرت (علیه السلام) از خداوند اتحاد مسلمانان در مقابل مشرکان و تفرقه و اختلاف مشرکان در مواجهه با مسلمانان را درخواست کرده‌اند. سیدالساجدین (علیه السلام) کشته‌شدگان در مسیر مرزداری از سرزمین‌های اسلامی را نیز شهیدانی دانسته‌اند که به سعادت خویش رهنمون شده‌اند.

۲. تعامل و هم‌اندیشی مسلمانان

از این معنا یعنی تعامل و هم‌اندیشی مسلمانان، در زمان کنونی با عنوان تقریب مذاهب اسلامی تعبیر می‌شود و بزرگان شیعه به تبعیت از اهل بیت (علیهم السلام) به آن توجه کرده‌اند. بر این اساس، مسلمانان در تبلیغ مرام و مسلک خویش، باید متانت را حفظ کنند، به یکدیگر دشنام ندهند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره احساسات همدیگر را مجروح نکنند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و درحقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان

۱. نک: ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، ص ۲۹۰ تا ۲۹۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۰۹.

سیدالساجدین (علیه السلام)

کشته‌شدگان در مسیر

مرزداری از سرزمین‌های

اسلامی را نیز شهیدانی

دانسته‌اند که به

سعادت خویش

رهنمون شده‌اند

هیچ ضرورتی ایجاب

نمی‌کند که مسلمین

به خاطر اتحاد اسلامی،

در زمینه اصول یا فروع

مذهبی خود تسامح و

گذشت کنند؛ همچنان

که وحدت ایجاب

نمی‌کند که درباره

اصول و فروع اختلافی

میان یکدیگر، بحث و

استدلال نکنند و کتاب

نویسند

به اسلام لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۳

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آن‌ها [یعنی مخالفان] به روشی که نیکوتر است، به مناظره بپرداز [و استدلال بیاور].

با توجه به این معنا، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، در زمینه اصول یا فروع مذهبی خود تسامح و گذشت کنند؛ همچنان که وحدت ایجاب نمی‌کند که درباره اصول و فروع اختلافی میان یکدیگر، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. اما باید پذیرفت که در فضای مخاصمه و دشمنی، افکار مسلمانان نمی‌تواند به یکدیگر نزدیک شود و نه فقط از اختلاف‌ها کاسته نمی‌شود، بلکه بر شدت آن‌ها نیز افزوده می‌شود. از همین رو قرآن کریم روش گفت‌وگو و استدلال با مخالفان و مخصوصاً مشرکان را این‌گونه بیان کرده است:

﴿قُلْ لِّعِبَادِيَ يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾^۴

به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین [سخن] باشد؛ چراکه شیطان [به وسیله سخنان ناروا] میان آن‌ها فتنه و فساد می‌کند؛ [زیرا] همیشه شیطان دشمنی آشکار برای انسان بوده است.

امامان شیعه نیز که مفسران واقعی آیات خداوند هستند، در سیره و عمل بر این آیه قرآن تأکید فرموده‌اند:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۵

و با مردم به زبان خوش سخن گویند.

آن بزرگواران بر این نکته پافشاری می‌کردند که هدف از مباحثات دینی، هدایت و ارشاد مردم است، نه مخاصمه و جنگ با آنان؛ بنابراین باید محترمانه و مؤدبانه با آن‌ها سخن گفت؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

۳. نحل، ۱۲۵.

۴. اسراء، ۵۳.

۵. بقره، ۸۳.

﴿قُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئِنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾^۱

و با او سخنی نرم گوئید؛ شاید پند گیرد یا [از خدا] بترسد.

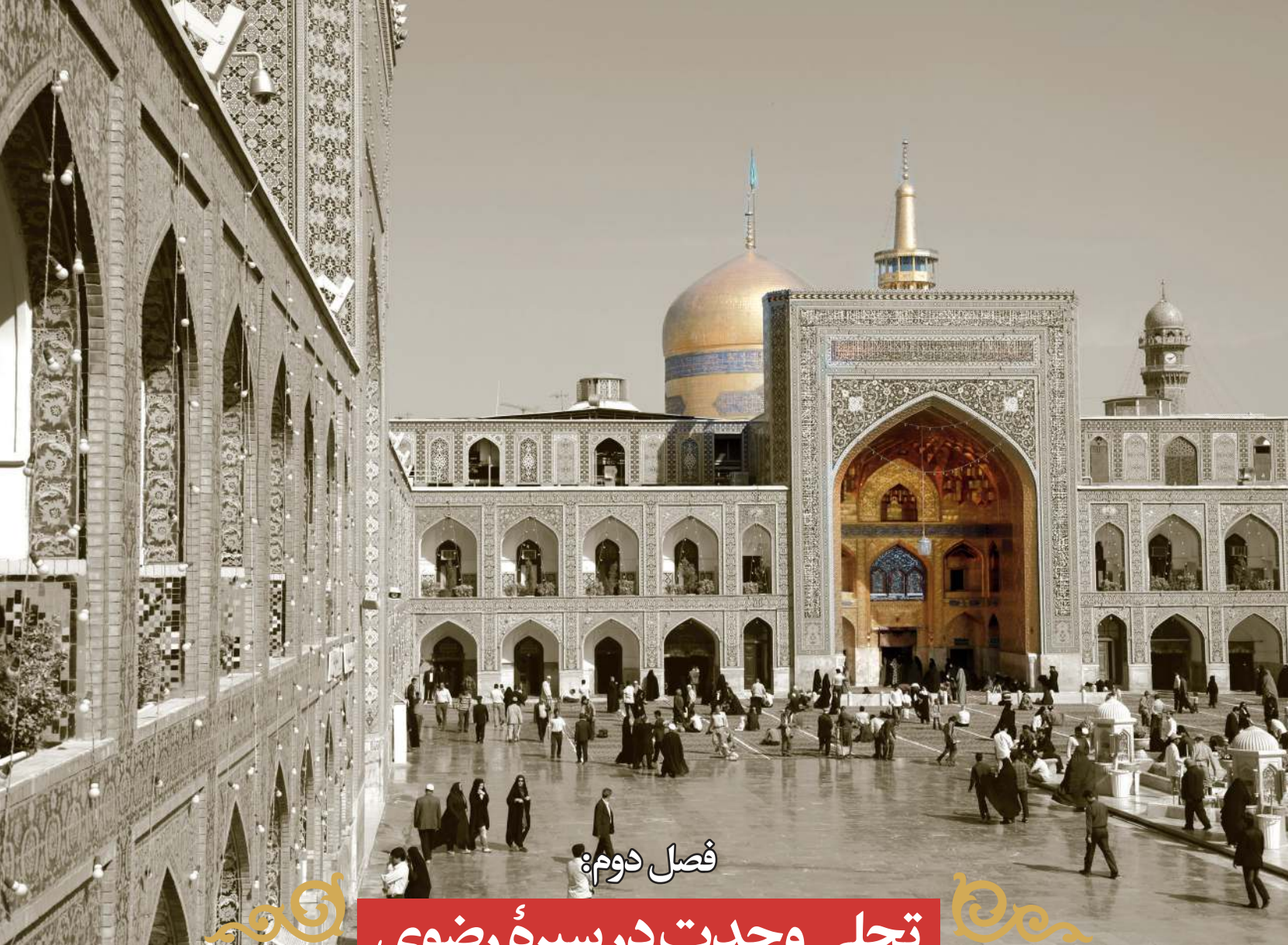
به راستی هر که واقعاً ثَقَلَيْن را طریق هدایت خویش قرار داده باشد، در به کار بردن این سیره و روش تردیدی نخواهد کرد؛ پس در این معنا از وحدت، ما به جای مناظره و مجادله با یکدیگر، به مبادله افکار می پردازیم.

بشنوید رهنمودی از رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) درباره این دو معنای وحدت اسلامی:

اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فِرَق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول اینکه فِرَق گوناگون اسلامی [فِرَق سنی و فِرَق شیعه] که هر کدام فِرَق مختلف کلامی و فقهی دارند، حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم اینکه فِرَق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود.^۲

۱. طه، ۴۴.

۲. بیانات در دیدار با میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، ۲۴ مهر ۱۳۹۸.



فصل دوم:

تجلی وحدت در سیره رضوی



ملت های مسلمان باید باهم متحد شوند. در داخل هر کشور، گروه های مختلف، مذاهب مختلف، جناح های مختلف، باید دست به دست هم بدهند [و] اختلافات فکری و عقیدتی و سیاسی و سلیقه ای و جناحی را بر حرکت های اساسی خودشان حاکم نکنند تا بتوانند در مقابل دشمن بایستند.

بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

پیش از این، بیان شد که در سیره اهل بیت علیهم السلام به وحدت اسلامی از دو منظر توجه شده است و بر آن اهتمام ورزیده اند: یکی حفظ امت واحده اسلامی و تقویت آن در مقابل دشمنان و دیگری تعامل و هم اندیشی مسلمانان و به تعبیر امروزی آن، تقریب مذاهب اسلامی. در سیره و فرمایشات امام رضا علیه السلام این دو معنا ظهوری خاص داشته است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱. حفظ وحدت امت اسلام

۱.۱. پذیرش ولایتعهدی و مصلحت امت اسلام

حفظ و تقویت وحدت امت اسلامی را می توان یکی از دلایل مهم پذیرش ولایتعهدی مأمون از جانب امام رضا علیه السلام دانست. البته درباره پذیرش ولایتعهدی مأمون سخنان فراوانی گفته شده است. در این میان، روشن است که امام رضا علیه السلام بدون وجود میل باطنی، ولایتعهدی مأمون را پذیرفتند؛ اما از این نکته نیز نباید غفلت کرد که آن بزرگوار در پذیرش اکراه گونه ولایتعهدی، همچون دیگر ائمه اطهار علیهم السلام مصلحت امت اسلامی را در نظر گرفتند و حتی در این مسیر، خرده گیری ها و نکوهش بعضی افراد ساده دل و مقدس نمای شیعه را نیز تحمل کردند.^۱

حقیقت این است که امام رضا علیه السلام با شرط دخالت نکردن در امور حکومتی برای قبول ولایتعهدی،^۲ از تأیید رفتارهای حکومت مأمون برائت جستند؛ ولی در عین حال، این فرصت را فراهم ساختند تا امت اسلامی از وجود پیربرکت امام بهره ببرد؛ به گونه ای که در مدت کوتاه ولایتعهدی فرصتی یافتند که با فراغ بال بیشتری به وظایف آسمانی خویش در هدایت امت اسلامی عمل کنند و از جمله، با علما و بزرگان به گفت و گوی علمی بنشینند و انحرافات آنان را گوشزد کنند. برگزاری نماز پرشکوه عید فطر به امامت امام رضا علیه السلام که مأمون چاره ای ندید جز آنکه اقامه اش را در همان آغاز ممنوع کند و نیز برپایی نماز باران توسط آن حضرت که به بارش باران

حفظ و تقویت وحدت

امت اسلامی را می توان

یکی از دلایل مهم

پذیرش ولایتعهدی

مأمون از جانب

امام رضا علیه السلام دانست

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱۵.

همه ائمه اطهار
چه در موضوع
نادیده گرفته شدن
حق ولایت ایشان و
چه هنگام پذیرش آن،
همانند امیرالمؤمنین
امام علی
کل امت اسلامی را در نظر
می گرفتند

انجامید و آتش محبت ایشان را بیش از پیش در دل مشتاقان شعله ور ساخت، از فعالیت های همین دوره است. نکته دیگر این است که ثامن الحجج با قبول ولایتعهدی این شایعه را که ائمه اطهار فقط به امور دینی شیعه می پردازند و کار فقهی انجام می دهند؛ اما به خیر و شر امور مسلمین کاری ندارند، خنثی کردند. از این روست که در پاسخ محمد بن عرفه که دلیل قبول ولایتعهدی را پرسید، فرمودند: «به همان دلیل که جدم امیرالمؤمنین داخل شدن در شورای شش نفره را پذیرفتند [من نیز ولایتعهدی را پذیرفتم].»^۱

آری، همه ائمه اطهار چه در موضوع نادیده گرفته شدن حق ولایت ایشان و چه هنگام پذیرش آن، همانند امیرالمؤمنین امام علی صلاح کل امت اسلامی را در نظر می گرفتند و در این باره، فقط مصلحت شخصی یا مذهبی، برای ایشان تصمیم ساز نبوده است. امام رضا نیز در خطبه ای که در قبول ولایتعهدی خواندند، از تمام مسلمانان خواستند که در قبال قبول ولایت، عهدشکنی نکنند و با اشاره به نادیده گرفته شدن حق امیرالمؤمنین در جانشینی پیامبر اکرم فرمودند:

... چنان که در گذشته این کار صورت گرفت [و حرمت وصایت رسول خدا نگهداشته نشد] و شخص وصی، بر آن ناکاری ها و اعمال خلاف صبر کرد و پس از آن هم، در دوران قدرت متعرض آن نشد، از بیم آنکه مبدا تفرقه ایجاد شود و اسلام سست شود و رشته وحدت و اتحاد مسلمین بگسلد؛ زیرا افکار زمان جاهلیت در مغزها باقی بود و به آن نزدیک و قریب العهد بودند و منافقین کاملاً کمین کرده و در راه یافتن فرصت نشسته بودند تا دستاویزی پیدا کرده و شرّ بیا کنند، اکنون هم نمی دانم سرانجام با من و شما چه رفتاری خواهد شد. قلم قضا نیست، مگر به دست خدا و او به درستی آشکار سازنده حق است و بهترین فصل کننده و جداکننده حق از باطل.^۲

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۲۹؛ محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۵.

۲. توجه به تقریب مذاهب اسلامی

برای گفت‌وگو درباره مسائل دینی و انتقال معارف الهی، ابتدا باید مذاهب اسلامی از دشمنی و خصومت با یکدیگر دست بردارند و فضای صلح و دوستی را در میان خویش حکم فرما کنند. در غیر این صورت، مسلمانان نه فقط به سخنان حق یکدیگر توجه نمی‌کنند، بلکه به خاطر دشمنی‌ها ممکن است حقایق را نیز انکار کنند؛ از این رو همواره اهل بیت علیهم‌السلام شیعیان را به رفتارهایی توصیه کرده‌اند که می‌تواند فضای دوستی میان مسلمانان را بهبود بخشد. این رفتارها در سیره امام رضا علیه‌السلام نیز جایگاه مهمی دارد.

۱.۲. همنشینی و مراوده با اهل سنت و محبت به آنان

از ائمه شیعه علیهم‌السلام توصیه‌های فراوانی درباره مراوده و همنشینی و مخالطه شیعیان با سایر مسلمانان در تمامی سطوح زندگی دینی و اجتماعی به دست ما رسیده است. چنین ارتباطی اگر با رفتار نیک و کردار پسندیده همراه باشد، خود، تبلیغی مؤثر برای مذهب شیعه در ذهنیت سایر مسلمانان است.^۱ در این باره امام صادق علیه‌السلام به زید شحام فرموده‌اند:

ای زید! با مردم [یعنی اهل سنت] با اخلاق خودشان معاشرت کنید. در مساجدشان نماز بگذارید، مریض‌هایشان را عیادت کنید، در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید و اگر توانستید امام جماعت یا مؤذن آن‌ها شوید، این کار را بکنید که اگر شما چنین عمل کردید، خواهند گفت: «اینان جعفریان‌اند. خدا او را به بهتر از آنچه اصحابش را به آن تربیت کرده است، ببخشاید!» و اگر این امور را ترک کردید، خواهند گفت: «اینان جعفریان‌اند. خداوند با او بدتر از آنچه به آن اصحابش را تربیت کرده است، رفتار کند!»^۲

سیره عملی ائمه اطهار علیهم‌السلام در تعامل با اهل سنت نیز الگویی مناسب برای شیعیان است. یکی از اصحاب جعفر بن محمد علیه‌السلام به آن حضرت عرض کرد: «رفتار بایسته ما با اقوامان و آنان که با آن‌ها معاشرت داریم و شیعه هم نیستند، باید چگونه باشد؟»

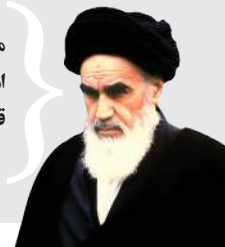
۱. نک: قسمتی از این توصیه‌ها در کتاب پیشوایان شیعه؛ پیشگامان وحدت آورده شده است.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰.

برای گفت‌وگو درباره
مسائل دینی و انتقال
معارف الهی، ابتدا باید
مذاهب اسلامی از
دشمنی و خصومت با
یکدیگر دست بردارند و
فضای صلح و دوستی
را در میان خویش
حکم فرما کنند

من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی، یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ‌یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن باشند.

صحیفه امام، ج ۸، ص ۸۸



امام صادق علیه السلام فرمودند:

به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنان پیروی کنید: آن‌گونه که آنان رفتار می‌کنند، شما نیز همان‌طور رفتار کنید. به خدا سوگند، آن‌ها به عبادت بیماران غیرشیعه می‌روند و بر جنازه‌هایشان حاضر می‌شوند و به سود و ضررشان [هرچه حق باشد] گواهی می‌دهند و امانت‌هایشان را به آن‌ها برمی‌گردانند.^۱

جالب اینجاست که همین امام بزرگوار علیه السلام در روایتی دیگر، ضمن تأکید بر این مطلب، به راوی فرموده‌اند:

أَتَخَافُونَ أَنْ نُضَلَّكُمْ لَا وَاللَّهِ لَا نُضَلُّكُمْ أَبَدًا.^۲

آیا می‌ترسید گمراه‌تان کنیم؟! نه، به خدا هرگز شما را گمراه نمی‌کنیم!

در سیره امام رضا علیه السلام همچون سایر ائمه بزرگوار ارتباط و مرادوده با سایر مسلمانان جایگاه خاصی داشت و همه مسلمانان چه در مدینه و چه در مرو، از محبت ایشان بهره‌مند بودند. آن حضرت در این باره توصیه‌هایی نیز به شیعیان داشته‌اند؛ از جمله مَعْرَبِينَ خَلَّادَ به ابی الحسن الرضا علیه السلام عرض کرد: «برای والدینم که حق را نمی‌شناسند [و شیعه نیستند] دعا کنیم؟» امام رضا علیه السلام فرمودند:

آری، برای آن‌ها دعا کن و به نیابتشان صدقه بده و اگر زنده‌اند و از مذهب حق بی‌اطلاع‌اند، با آنان مدارا و نیکی کن؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند مرا با پیام مهر و شفقت مبعوث کرد، نه عداوت و بریدن از پدر و مادر و خویشان.»^۳

امام رئوف، علی بن موسی الرضا علیه السلام با اشاره به سنت پیامبر اکرم ﷺ در مدارا با عموم مردم، الگوگیری از این روش را وظیفه شیعیان دانسته‌اند:

مؤمن، مؤمن نیست مگر اینکه سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. سنت پروردگارش حفظ اسرار است. خداوند فرموده است: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ...^۴ (عالم به غیب اوست و هیچ‌کس را بر غیب خود مطلع نمی‌کند؛ مگر رسوائی را که برگزیده است)

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶؛ علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۲۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۶.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۲۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۱۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴. جن، ۲۶ و ۲۷.

به پیشوایان خود نگاه

کنید و از آنان پیروی

کنید: آن‌گونه که آنان

رفتار می‌کنند، شما نیز

همان‌طور رفتار کنید.

به خدا سوگند، آن‌ها

به عبادت بیماران

غیرشیعه می‌روند و بر

جنازه‌هایشان حاضر

می‌شوند

سنت پیامبر مدارا با مردم است. خداوند پیامبرش را به مدارا با مردم امر می کند و می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (با مردم مدارا کن و عذرشان را بپذیر [و از آن ها بیش از توانشان توقع نداشته باش] و امر به معروف کن و از نادانان روی بگردان [و با آن ها ستیزه جویی نکن]). اما سنتی که باید از امام در مؤمن باشد، صبر در سختی ها و مشکلات است. خداوند فرموده است: «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ»^۲ (در سختی و مشکلات صبر می کنند).^۳

به روایت دیگری از هشتمین امام علیه السلام توجه فرمایید:

أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَتَى أَخَذَكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَخَذَكَ بِالْفَرَائِضِ.^۴
خداوند بزرگ و بلندمرتبه به رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین وحی فرمود: «تو را به مدارا با مردم موظف کردم؛ همان گونه که به انجام فرائض و واجبات موظف کردم.»

همچنین امام رضا علیه السلام از زبان مبارک پدر بزرگوارشان توصیه ای به شیعیان ابلاغ فرموده اند که شنیدنی است:

تقوا، ورع، کوشش، ادای امانت، راست گویی و حسن جوار و همسایگی را از دست ندهید. این است مطالبی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله آورده است. نماز را در میان عشایر و [اهل] محله خود بخوانید، با خویشاوندان ارتباط داشته باشید، به عیادت بیماران خود بروید، به تشییع جنازه های [آشنایان] خویش بروید و موجب آرایش و افتخار ما باشید، نه باعث ننگ و عار ما. [با عمل خوب خود] باعث شوید که مردم به ما محبت کنند، نه اینکه آن ها را با ما دشمن کنید. هر نوع دوستی را به طرف ما جلب کنید و هر بدی را از ما دفع کنید. هر سخن خوبی که درباره ما بگویند، شایسته آن هستیم و هر نسبت بدی که به ما بدهند، چنین نیستیم و ستایش مخصوص پرودگار دود عالم است.^۵

۱. اعراف، ۱۹۹.

۲. بقره، ۱۷۷.

۳. محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲۹ و ۵۳۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱.

۴. منسوب به علی بن موسی الرضا علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۶۸.

۵. منسوب به علی بن موسی الرضا علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵۷.

هر نوع دوستی را به طرف

ما جلب کنید و هر بدی

را از ما دفع کنید. هر

سخن خوبی که درباره

ما بگویند، شایسته آن

هستیم و هر نسبت

بدی که به ما بدهند،

چنین نیستیم و ستایش

مخصوص پرودگار دود

عالم است



۲.۲. همراهی با مسلمانان در مراسم عبادی

جدایی و فاصله گرفتن مسلمانان از یکدیگر زمینه افزایش سوء تفاهم ها را ایجاد کرده و برای تفرقه افکنان فرصتی بی نظیر فراهم می آورد تا به این وسیله، فضای خصومت و دشمنی میان مذاهب اسلامی را تشدید کنند؛ از این رو ائمه اطهار علیهم السلام در روایات فراوانی، شیعیان را به شرکت در مراسم عبادی و مناسک دینی اجتماعی توصیه کرده اند. این مهم، فرهنگ اصیل دینی مذهبی شیعیان را نمایان کرده و بسیاری از سوء تفاهم ها و تهمت ها را برطرف می کند. به این منظور، از سوی ائمه اطهار علیهم السلام تأکیده های فراوانی بر نمازگزاردن با اهل سنت وارد شده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام درباره اهمیت نمازگزاردن با مخالفان مذهبی فرموده اند:

مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَكَأَنَّمَا صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ^۱.

هر که با آن ها [یعنی اهل سنت] در صف اول نماز بگزارد، گویا با رسول خدا صلی الله علیه و آله در صف اول نماز گزارده است.

۱. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۴۵۷؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۹۹، با اندکی تفاوت در واژه ها.



وحدت حوزه و دانشگاه عبارت از این است که ما این دو کانون علمی، این دو مرکز تعلیم و تعلم را از لحاظ اخلاق حاکم بر آن‌ها، از لحاظ سیستم و سازماندهی حاکم بر آن‌ها و از لحاظ برخی از محتواها به هم نزدیک کنیم.

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح، ۲۶ آذر ۱۳۶۴

همچنین آن حضرت علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمودند: «ای اسحاق، آیا با آن‌ها [یعنی اهل سنت] در مسجد نماز می‌گزاری؟» گفت: «آری.» امام علیه السلام فرمودند: «با آن‌ها نماز به جا آور؛ زیرا کسی که با آن‌ها در صف اول نماز به جا آورد، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است.»^۱

در سیره امام رضا علیه السلام نیز به موضوع شرکت در نماز جماعت اهل سنت توجه شده است. در فقه الرضا علیه السلام یکی از انگیزه‌های شرکت در نماز جماعت، تقیه و مدارا با اهل سنت بیان شده است.^۲ همچنین مراسم سیاسی عبادی حج را می‌توان یکی از مظاهر بارز وحدت و اتحاد مسلمانان در سیره و روش اهل بیت علیهم السلام دانست؛ زیرا در طول تاریخ پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و یاران آن‌ها همواره مراسم حج را با اهل سنت به جا می‌آورده‌اند و به قطع، در برخی از سال‌ها، میان آن‌ها درباره تعیین روز نهم ذی حجه اختلاف هم وجود داشته است؛ ولی از سوی ائمه اطهار علیهم السلام مطلبی مبنی بر مخالفت با عامه مسلمانان در انجام اعمال این روز گزارش نشده است و آن بزرگواران علیهم السلام و اصحابشان هماهنگ با دیگر مسلمانان، مراسم حج را در یک زمان انجام می‌داده‌اند. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرموده‌اند:

از جمله چیزهایی که گواه است بر اینکه مداراتی در موضوعات، از جمله وقوف در عرفه و مشعر در غیر زمان آن دو مجزی است، آن است که پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله، ائمه علیهم السلام و پیروان آن‌ها به رعایت تقیه مبتلا بودند و در مدت دویست سال با اینکه امرای حج از سوی خلفای جور نصب شده بودند و تعیین زمان وقوف در اختیار آن‌ها بود، مراسم حج را انجام می‌دادند و بی‌گمان اختلاف در زمان وقوف بسیار اتفاق می‌افتاد. با این وصف، چیزی از آن‌ها مبنی بر جواز مخالفت و یا لزوم اعاده حج در سال‌های بعد و یا درک وقوف عرفه و مشعر به گونه مخفی، همان گونه که برخی از شیعیان جاهل انجام می‌دهند، گزارش نشده است و اگر یکی از این امور از سوی ائمه اتفاق می‌افتاد، به طور مسلم گزارش می‌شد؛ چون داعی (انگیزه) فراوان است.^۳

همچنین مراسم

سیاسی عبادی حج را

می‌توان یکی از مظاهر

بارز وحدت و اتحاد

مسلمانان در سیره و روش

اهل بیت علیهم السلام دانست؛

زیرا در طول تاریخ پس

از رسول خدا صلی الله علیه و آله، ائمه

اطهار علیهم السلام و یاران

آن‌ها همواره مراسم

حج را با اهل سنت به جا

می‌آورده‌اند

۱. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷۷؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۱.

۲. منسوب به علی بن موسی الرضا علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۴۵.

۳. سید روح الله موسوی خمینی، الرسائل، ج ۲، ص ۱۹۶.

امام رضا علیه السلام نیز بر اساس همین سیره، حج را هماهنگ با سایر مسلمانان به جامی آوردند؛ چنان که در گزارش هایی که از حج گزاردن آن حضرت در دست است، از ایشان روایتی برخلاف این سیره مستمر حکایت نشده است.^۱

۳.۲. تأکید بر وظیفه تقیه

تقیه وظیفه و تکلیفی مهم برای شیعیان است. در روایات، اهتمام نداشتن به تقیه، معادل بی دینی فرض شده است؛ آن چنان که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

إِنَّ التَّقِيَّةَ مِنْ دِينِي وَ دِينَ آبَائِي وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ.^۲

به راستی که تقیه از دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد، دین ندارد.

در کلام امام رضا علیه السلام نیز تأکید بر تقیه، فراوان به چشم می آید؛ به طور مثال فرموده اند: «دین ندارد آن که ورع ندارد و ایمان ندارد آن که تقیه نمی کند. گرامی ترین شما در نزد خدا فردی است که تقوایش بیشتر باشد و به تقیه عمل کند.» خدمت آن حضرت عرض کردند: «ای پسر رسول خدا، تا کدام وقت باید تقیه کرد؟» فرمودند: «تا روزی معین که آن، همان روز خروج قائم ماست و هر که قبل از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نخواهد بود.»^۴

روایات باب تقیه آن قدر پُر شمار و پُر اهمیت است که باید بحث آن را در کتاب هایی مستقل دنبال کرد؛ اما سخن در این باره را چنین خلاصه می کنیم:

۱. تقیه را معمولاً از نظر انگیزه و علتش به دو نوع خوفی و مداراتی تقسیم می کنند: تقیه خوفی به این معناست است که اگر فردی احتمال دهد به سبب انجام عملی یا اظهار عقیده ای مذهبی، ممکن است مخالفان مذهبی به دین، جان، ناموس یا مال او یا

۱. نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۷۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۶۶.

۳. مضمون این روایت به طرق و الفاظ مختلف از ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است؛ به گونه ای که تردیدی در آن باقی نمی گذارد.

۴. محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۱؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۴.

در کلام امام رضا علیه السلام

نیز تأکید بر تقیه، فراوان

به چشم می آید؛ به طور

مثال فرموده اند: «دین

ندارد آن که ورع ندارد و

ایمان ندارد آن که تقیه

نمی کند. گرامی ترین

شما در نزد خدا فردی

است که تقوایش بیشتر

باشد و به تقیه عمل

کند.»

دیگران دست‌درازی کنند، باید برای حفظ آن‌ها تقیه ورزد و از آشکارکردن آن عمل یا عقیده خودداری کند؛ حتی در چنین جایگاهی می‌تواند عمل و عقیده خویش را در ظاهر مطابق با مذهب مخالفان یا کافران نشان دهد. در مقابل تقیه خفی، تقیه مداراتی قرار دارد که بر اثر ترس و برای حفظ جان و عقیده انجام نمی‌شود؛ بلکه این نوع تقیه به منظور حُسن معاشرت با اکثریت مسلمانان یعنی اهل سنت تشریع شده است. تقیه مداراتی درحقیقت نشان‌دهنده اهتمام و عزم مذهب تشیع به همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان است تا در پرتو آن، شیعیان بتوانند مسئولیت دینی خود را در هدایت و ارشاد دیگران به انجام برسانند.

آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی پس از بیان تعدادی از روایات با موضوع توصیه بر شرکت در نماز جماعت اهل سنت نوشته‌اند: از این روایات استفاده می‌شود که حکمت مدارا با اهل سنت در نماز جماعت و مانند آن، مبتنی بر ترس از ضرر نیست؛ بلکه حکمت مدارا کردن با آنان رعایت مصلحت نوعیه و اتحاد کلمه مسلمانان است، بی‌آنکه ترک شرکت در نماز، ضرری را در پی داشته باشد؛ زیرا در آن روزگار، یاران امام به تشیع معروف بودند. بنابراین دستور امام علیه السلام به شرکت در نماز آنان به جهت شناخته‌نشدن اصحاب نبوده؛ بلکه برای مؤدب‌کردنشان به اخلاق نیکو بوده [است] تا با این رفتار، شیعه با اوصاف زیبا و دور از تعصب و عناد و لجاجت ممتاز شود و متخلق شوند به آنچه [برای شیعه بودن] شایسته است تا اینکه گفته شود: «خدا رحمت کند جعفر را که اصحاب خوبی تربیت کرده است.»... بنابراین چنین توصیه‌هایی در زمان ما نیز جاری بوده و حضور در مساجد مخالفان و نمازگزاردن با آن‌ها به منظور مشخص ساختن شیعه از سایر مسلمانان به عدم تعصب مستحب است تا بدین جهت، اتحاد کلمه مسلمان حفظ گردد.^۱

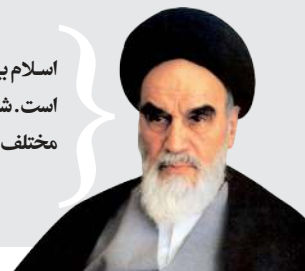
بر مبنای تقیه مداراتی، حتی در کشور ما یعنی جمهوری اسلامی ایران که دین رسمی آن اسلام و مذهب شیعه است، شیعیان نباید با توهین به مقدسات اهل سنت زمینه‌انزجار آن‌ها را از مذهب شیعه فراهم کنند. این گونه رفتارها نه فقط به همزیستی مسالمت‌آمیز شیعیان و اهل سنت در کشور ایران لطمه می‌زند، بلکه با ایجاد فضای تعصب و دشمنی، گفت‌وگوهای عالمانه میان مذاهب اسلامی

بر مبنای تقیه مداراتی،
حتی در کشور ما یعنی
جمهوری اسلامی ایران
که دین رسمی آن اسلام
و مذهب شیعه است،
شیعیان نباید با توهین
به مقدسات اهل سنت
زمینه‌انزجار آن‌ها را از
مذهب شیعه
فراهم کنند

۱. سیدابوالقاسم خوئی، کتاب الطهارة، ج ۴، ص ۳۱۶ تا ۳۱۹.

اسلام بین همه افراد مسلمین را عقد اخوت بسته است، مؤمنین را برادر خوانده است. شما برادرها پشتیبان هم باشید. نکند که اعدای اسلام بخواهند با طریق‌های مختلف تفرقه بیفکنند بین شماها و دیگران.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۰



را هم به مناظره‌ها و مجادله‌های تفرقه‌انگیزی تبدیل می‌کند که تنها فایده آن، سوق دادن قشری از اقلیت مذهبی جامعه ایران به سوی تفرقه‌انگیزان معاند و دشمنان خارجی است.^۱

۲. وظیفه تقیه به زمانی خاص اختصاص ندارد و علت و حکمت تشریع آن، تا زمان ظهور مهدی موعود علیه السلام باقی است؛ چنان‌که در روایتی که پیش از این نقل شد، امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «هر که قبل از خروج قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نخواهد بود.»^۲ افزون بر این، طبق بعضی از روایات، هر چه به زمان ظهور امام زمان علیه السلام نزدیک می‌شویم، تقیه شدت می‌یابد و مؤمنان باید بیش از پیش به آن اهتمام ورزند. سخن امام صادق علیه السلام در این باره همین معنا را می‌رساند:

كَلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ.^۳

هر چه این امر [یعنی ظهور مهدی موعود علیه السلام] نزدیک تر شود، [ضرورت] تقیه شدیدتر می‌شود.

باتوجه به دو مطلبی که گفتیم، روشن است که امروز همه شیعیان، در هر جایگاهی که هستند، باید ملاحظات مذهبی دیگران، به ویژه اهل سنت را در نظر بگیرند و از هرگونه رفتار و سخن تفرقه‌انگیز اجتناب کنند. این مطلبی است که عالمان مکتب اهل بیت علیهم السلام تردیدی درباره‌اش ندارند؛ اگرچه در این میان بعضی می‌خواهند با تکیه بر جهل خویش، خلاف آن را به مردم القا کنند!

۴.۲. تعامل علمی به دور از توهین به مقدسات

همه می‌دانند که اهل بیت علیهم السلام پیوسته با باطل و انحراف، به مبارزه می‌پرداختند و هیچ‌گاه سر سازگاری با اهل باطل نداشتند؛ ولی منطق ایشان در این راه، همواره تکیه بر روشنگری و استدلال بوده است و آن بزرگواران، هیچ‌گاه از راه‌های باطلی همچون توهین و دشنام و تخریب مخالفان نشان استفاده نکرده‌اند.

۱. برای اطلاع بیشتر از معنای تقیه و انواع آن، کتاب نقش تقیه در استنباط، نوشته نعمت‌الله صفری را مطالعه بفرمایید.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۱؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۵۷.

امام رضا علیه السلام نیز در دوران ولایتعهدی، با وجود آنکه هیچ خطری تهدیدشان نمی کرد و کسی نمی توانست در مواجهه با ایشان شدت عمل به خرج دهد، همین سیره و روش را ادامه دادند و در گزارش های بسیاری که از گفت و گو و مباحثه ایشان با علمای اهل سنت به دست ما رسیده است، حتی یک نمونه را نمی توان یافت که به عقاید اهل سنت توهینی کرده باشند یا با سخنانشان تعصب و دشمنی آن ها را برانگیخته باشند. این درحالی است که شخص خلیفه، یعنی مأمون، در مجالس عام و خاص، اظهار تشیع می کرد و حتی درباره اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام به مباحثه با علمای اهل سنت پرداخته و انتقاداتی را درباره خلفای اهل سنت بیان می داشت؛^۱ پس اگر امام علیه السلام روش دیگری در مواجهه با اهل سنت در پیش می گرفتند، چه بسا مأمون از آن استقبال هم می کرد؛ همان طور که در زمان خلافت مأمون، اعتقاد به خلق قرآن، ملاک ابقا یا برکناری قاضیان و کارگزاران حکومت شده بود! همچنین وی فرایند تفتیش عقایدی را به نام «محنة خلق قرآن» به معنای آزمایش و محاکمه درباره خلق قرآن به وجود آورده بود که طی آن فرایند، بسیاری از علمای مذهبی، تنبیه و زندانی و حتی کشته شدند.

پیش تر گفتیم که طبق بعضی از نقل ها امام رضا علیه السلام در شروط پذیرش ولایتعهدی شرط کردند که امور و سنن دینی عامه مردم را تغییر نمی دهند. این دقیقاً همان سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که هنگام برعهده گرفتن خلافت مسلمانان، اقدام به اصلاح مذهبی مردم نکرده و در مقابل عامه مسلمانان موضع گیری نکردند؛ بلکه اولویت اول ایشان، طاغوت ستیزی و مبارزه با انحرافات رفتاری مسلمانان بود. اما متأسفانه امروز دشمنان شیعه و اهل بیت، برای اینکه به فضای تعصب دامن بزنند و مسلمانان را از پیشوایان واقعی اسلام، یعنی ائمه اطهار علیهم السلام دور کنند، همواره درصدد هستند که منطق شیعه و اهل بیت علیهم السلام را منطق دشنام و توهین جلوه دهند! اهل سنت و عالمانشان پیوسته با اهل بیت علیهم السلام مراوده داشته و با آن ها هم نشین بوده اند و بسیاری از شاگردان و راویان احادیث ائمه اطهار علیهم السلام از اهل سنت به شمار می آیند. پرواضح است که اگر اهل بیت علیهم السلام به خلفای اهل سنت توهین می کردند، نه فقط هیچ یک از اهل سنت در محضر ائمه اطهار علیهم السلام حضور نمی یافتند، بلکه آن بزرگواران علیهم السلام را به خاطر این رفتارها مذمت نیز می کردند؛ درحالی که فقهای اهل سنت با وجود آگاهی از تفاوت های عقیدتی ائمه اطهار علیهم السلام با آن ها، همیشه ایشان را منبع راستین علم و فضیلت و تقوا دانسته اند.

اهل سنت و عالمانشان

همواره با اهل بیت علیهم السلام

مراوده داشته و با آن ها

هم نشین بوده اند و

بسیاری از شاگردان و

راویان احادیث ائمه

اطهار از اهل سنت

به شمار می آیند

۱. نک: محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۳۳ تا ۴۷۸.



مسلماناً امامت مذهب خاصی مثل مذهب شیعه امامیه و درعین حال محبوب بودن و مرادبودن در نزد پیشوایان مذاهب دیگر، مُدارای عمیق و وسیعی را می‌طلبد تا باعث جذب و جلب نظر مخالفان شود؛ زیرا کوچک‌ترین بدرفتاری، تنفرو دوری دیگران را به دنبال خواهد داشت.

۵.۲. نهی از توهین به مقدسات اهل سنت

پیام‌آوردین مؤدب است و هیچ‌گاه با فحش و دشنام به مصاف با باطل نمی‌رود؛ زیرا فحاشی و دشنام‌گویی از خصوصیات اهل باطل است و با فطرت پاک و زلال انسان سازگار نیست؛ پس کسی نباید فحش و دشنام را وسیله‌ای برای ابراز حق بداند؛ وگرنه در روش و عمل، تفاوتی میان اهل باطل و اهل حق نخواهد بود. از رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است:

الْفَحْشُ وَالتَّفَحُّشُ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ [فی شئی]¹.

دشنام دادن و بددهنی [که باعث دشنام شنیدن می‌شود] در اسلام نیست.

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۷؛ ابی الحسن وزام بن ابی فراس مالکی اشیری، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه وژام)، ج ۱، ص ۱۱۰.



در نظام اسلامی، علم و دین، پایه پا باید حرکت کند. وحدت حوزه و دانشگاه یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه، معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصص‌های حوزه‌ای در دانشگاه و تخصص‌های دانشگاهی در حوزه دنبال بشود.

بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و دانشجویان، ۲۹ آذر ۱۳۶۸

از دشمنان اسلام بعید نیست که سیره رسول خدا و ائمه اطهار (ع) را تحریف کنند و واقعیت‌ها را وارونه جلوه دهند؛ اما در شأن مسلمانان نیست که همسو با دشمنان، با نمایش چهره‌ای غیر اخلاقی از اسلام، آب به آسیاب آنان بریزند. به راستی که حقیقت اسلام را پیامبر معظم اسلام (ص) و اولیای مکرم ایشان (ع) نشان می‌دهند، نه مسلمانان؛ به این دلیل، لازم است برای دریافت معرفت صحیح اسلامی، به سیره قطعی و روایات معتبر ایشان مراجعه کنیم. این بزرگواران (ع) با تکیه بر اخلاق و تعقل و بردباری، حتی در مقابل توهین و دشنام جاهلان و سبک مغزان نیز هیچ‌گاه از اخلاق الهی عدول نمی‌کردند و از جمله عباد الرحمن بودند که خداوند در وصفشان می‌فرماید:

﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^۱

هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهند [و از روی جهل، به جدال و سخنان زشت می‌پردازند]، در پاسخشان سلام می‌گویند [و با بزرگواری از آن‌ها درمی‌گذرند].

متأسفانه، همیشه اختلاف انگیزان و وحدت‌شکنان در شیعه، به تقطیع و تحریف سخنان و سیره اهل بیت (ع) در مواجهه با مخالفان مذهبی پرداخته‌اند تا بدین سان رفتارهای ناپسند و ناهنجار خویش را توجیه کنند! حال آنکه برای شیعیانی که می‌خواهند همگام با عمل به وظیفه تبرّاً، با اهل سنت نیز به طور مسالمت‌آمیز همزیستی کنند، عمل به وظیفه تبرّاً، با اهل سنت نیز به طور مسالمت‌آمیز همزیستی کنند، زندگی و فرمایش‌های اهل بیت (ع) الگویی روشن و جامع است. ائمه شیعه (ع) ضمن مشخص کردن خطوط و مرزهای عقیدتی شیعه، بارها شیعیان را از دشنام‌گویی و توهین به مقدسات اهل سنت نهی کرده^۲ و همواره این آیه از قرآن کریم را بیان می‌فرمودند:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهَا﴾^۳

[شما مؤمنان] به [معبود] آنان که جز خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید تا مبادا آن‌ها [نیز] از روی دشمنی، با نادانی خدا را دشنام دهند. بدین سان برای هرامتی عملشان را زینت دادیم.

۱. فرقان، ۶۳.

۲. این روایت‌ها را همراه با مباحث پیرامون آن، در کتاب لعن‌های نامقدس آورده‌ایم.

۳. انعام، ۱۰۸.

برای شیعیانی که
می‌خواهند همگام
با عمل به وظیفه
تبرّاً، با اهل سنت نیز
به طور مسالمت‌آمیز
همزیستی کنند،
زندگی و فرمایش‌های
اهل بیت (ع)
الگویی روشن
و جامع است

در این زمینه، روایتی مهم و شاخص از امام رضا (ع) بیان شده است. این روایت حکایت از توطئه خاص دشمنانی دارد که نمی خواهند تفسیر ناب و زلال اهل بیت (ع) از دین اسلام، به گوش مسلمانان برسد. ابراهیم بن ابی محمود به امام رضا (ع) عرض کرد: «ای پسر رسول الله، نزد ما از طرف مخالفان شما روایاتی در فضایل امیرمؤمنان (ع) و شما خاندان وجود دارد که امثال آن را در بین روایات شما نمی بینیم! آیا به آنان معتقد شویم؟» امام رضا (ع) پاسخ دادند:

ای ابن ابی محمود، پدرم از پدرش و آن حضرت از جد خود برایم روایت کرد که حضرت رسول اکرم (ص) فرمود: «هرکه به سخن گوینده ای گوش فرا دهد، او را عبادت کرده است. اگر آن سخن گوا از طرف خدا سخن گوید، شنونده اش خدا را عبادت کرده است و اگر از طرف ابلیس سخن بگوید، شنونده اش ابلیس را عبادت کرده است... ای ابن ابی محمود، مخالفان ما سه نوع خبر در فضایل ما جعل کرده اند: ۱. غلو؛ ۲. کوتاهی در حق ما؛ ۳. تصریح به بدی های دشمنان ما و دشنام به آنان. وقتی مردم اخبار غلو آن دسته را می شنوند، ما را تکفیر می کنند و می گویند: «شیعه به ربوبیت ائمه خود قائل است.» آنگاه که کوتاهی در حق ما را می شنوند، به آن معتقد می شوند و هنگامی که بدی های دشمنان ما و دشنام به آنان را می شنوند، ما را دشنام می دهند؛ حال آنکه خداوند می فرماید: «به [معبود] آنان که جز خدا را می خوانند، دشنام ندهید تا مبادا آن ها از روی دشمنی، با نادانی خدا را دشنام گویند.»^۱

ای ابن ابی محمود، وقتی مردم به چپ و راست می روند، تو پاییند راه ما باش؛ زیرا هرکه با ما همراه باشد، ما با او همراه خواهیم بود و هرکه از ما جدا شود، ما نیز از او جدا خواهیم شد. کمترین چیزی که باعث می شود انسان از ایمان بیرون رود، این است که درباره سنگ ریزه بگوید: «این هسته است»؛ سپس به این گفته خود معتقد شود و از مخالفان خود تبرّا جوید. ای ابن ابی محمود! آنچه را برایت گفتم، حفظ کن و نگه دار؛ زیرا در این گفتار، خیر دنیا و آخرت را برایت گردآوری کردم.^۲

۱. انعام، ۱۰۸.

۲. محمد بن علی طبری، بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، ص ۲۲۱.

ای ابن ابی محمود،

وقتی مردم به چپ و

راست می روند، تو پاییند

راه ما باش؛ زیرا هرکه با ما

همراه باشد، ما با او همراه

خواهیم بود و هرکه از ما

جدا شود، ما نیز از او جدا

خواهیم شد

این روایت شریف امام رضا علیه السلام بیانی واضح و روشن برای تمام شیعیان است تا بدانند با دشنام، توهین، تهمت و افترا هیچ گاه نمی توان حقیقت اسلام را برای دیگران روشن کرد؛ بلکه باید در این راه از سلوک قرآنی و الهی پیروی کنند؛ آنچنان که دستور خداوند حکیم است:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۱

و با مردم به زبان خوش سخن گوید.

آیا در جایی که قرآن کریم رعایت اصول ادب و عفت و نزاکت را حتی در برابر خرافاتی ترین ادیان لازم می شمارد، بهانه ای برای شخص یا گروهی باقی می ماند تا با توهین به عقاید سایر مسلمانان، زمینه ایجاد تعصب و خصومت را در میان آن ها فراهم کنند؟! با این رویکرد است که امام رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرشان امام کاظم علیه السلام و ایشان نیز از پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق علیه السلام چنین روایت کرده اند:

اجْتَمَعَ آلُ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَلَى الْجَهْرِ بِ«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَ عَلَى أَنْ يَقْضُوا مَا فَاتَهُمْ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ وَ عَلَى أَنْ يَقُولُوا فِي أَبِي بَكْرٍ وَ عَمْرٍأَ حَسَنَ الْقَوْلِ وَ فِي صَاحِبَيْهِمَا^۲.

آل محمد علیهم السلام [اجتماع کرده اند بر بلند گفتن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و اینکه قضای نماز شب را در روز می توان به جا آورد و درباره ابوبکر و عمرو و پیروان آن ها باید نیکو سخن گفت.

البته باید تصریح کرد که امام علیه السلام در این روایت، در مقام مدح خلفا نیستند؛ بلکه می خواهند شیعیان را از توهین و دشنام های زشت و زننده به آن ها بازدارند. بی شک این توهین ها و دشنام ها جز ایجاد کینه در اهل سنت، اثر دیگری ندارد و حتی با موضع گیری متعصبانه اهل سنت در مقابل این موضوع، باب نقد رفتار خلفا نیز برای آن ها مسدود می شود.

ممکن است عده ای بعضی از این روایات را حمل بر تقیه کنند یا آن ها را نامعتبر بدانند؛ اما مجموع روایات و سیره عملی ائمه اطهار علیهم السلام شکی باقی نمی گذارد که آن بزرگواران به باورهای اهل سنت حساس بوده و به تحریک احساسات آن ها نمی پرداخته اند. برای نمونه، پس از آنکه مأمون دخترش را به امام جواد علیه السلام تزویج کرد، در مجلسی که امام جواد علیه السلام و مأمون و بسیاری دیگر حضور

۱. بقره، ۸۳.

۲. احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری، الکشف والبيان عن تفسير القرآن، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ابوالفتوح رازی، رُوضُ الْجَنَانِ وَ رُوحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآن، ج ۱، ص ۵۰.

آیا در جایی که قرآن کریم

رعایت اصول ادب و

عفت و نزاکت را حتی

در برابر خرافاتی ترین

ادیان لازم می شمارد،

بهانه ای برای شخص یا

گروهی باقی می ماند تا

با توهین به عقاید سایر

مسلمانان، زمینه ایجاد

تعصب و خصومت را در

میان آن ها فراهم کنند؟!



درسی که ما از قرآن گرفته ایم، درسی که ما از اسلام گرفته ایم، درس ایستادگی و مجاهدت و وحدت و اتحاد است: اتحاد دل ها و دست ها با یکدیگر. [این مخصوص ملت ما هم نیست؛ بلکه هدف اتحاد در دنیای اسلام است].

بیانات در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۹۱

داشتند، یحیی بن اکثم به قصد تخریب وجهه اهل بیت علیهم السلام و ایجاد فضای تعصب مذهبی در آن جمع، از احادیث نبوی فضایی را برای خلفا بیان کرد. امام جواد علیه السلام به همه آن اظهارات، با احترام و به صورت علمی و منطقی پاسخ دادند و برای درهم شکستن فضای تعصب در ابتدای استدلال خویش فرمودند: «لَسْتُ بِمُنْكَرٍ فَضْلُ أَبِي بَكْرٍ وَلَكِنْ... لَسْتُ بِمُنْكَرٍ فَضْلُ عُمَرَ وَلَكِنْ...» (من منکر فضیلت ابوبکر نیستم؛ ولی... من منکر فضیلت عمر نیستم؛ ولی...)

ملاحظه می فرمایید که آن امام عزیز با این رفتار، ضمن در نظر گرفتن ملاحظات اعتقادی اهل سنت و بدون هیچ توهینی، به نقد سخنان فتنه انگیز یحیی بن اکثم پرداختند و توطئه های او را برای بی احترامی به مقدسات اهل سنت ناکام گذاشتند؛ اما متأسفانه امروز توجه نکردن به توصیه های اهل بیت علیهم السلام موجب فتنه های مذهبی در جهان اسلام شده است؛ به طوری که گروهی با زبان و گفتار، احساسات مذهبی طرف مقابل را مجروح می کنند و گروه دیگر در مقابل، با روی آوردن به جنایت و قتل مسلمانان، فتنه گری را مسلک خویش قرار داده اند! بجاست که با تمام وجود، به این فرمایش امام رضا علیه السلام گوش جان بسپاریم:

الْمُسْلِمُ الَّذِي يَسْلُمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.

مسلمان آن فردی است که مسلمانان از زبان و دستش در سلامت باشند.

۶.۲. نهی از جدال و مخاصمه در دین

یکی از اموری که مسلمانان را از اصل دین دور کرده و آن ها را درگیر حواشی بی فایده می کند، جدال و مراء و مخاصمه در امور دینی و مذهبی است که نه برای آگاه سازی و بیان حقیقت، بلکه برای غلبه بر دیگران و پیروز نشان دادن خویش به کار می رود. در این نوع جدال، برای هیچ کدام از دو طرف مهم نیست که آنچه در پاسخ بیان می شود، حق است یا باطل یا اینکه آن ها با مطلب حقی مخالفت می کنند یا خیر؛ بلکه هر دو می خواهند با هر روش و هر سخن ممکن، طرف مقابل را محکوم و منکوب کنند. از همین رو امام رضا علیه السلام به واسطه پدران بزرگوارشان از امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام روایت فرموده اند:

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۴۶ تا ۴۴۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۸۰.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴.

یکی از اموری که

مسلمانان را از اصل

دین دور کرده و آن ها را

درگیر حواشی بی فایده

می کند، جدال و مراء و

مخاصمه در امور دینی

و مذهبی است که نه

برای آگاه سازی و بیان

حقیقت، بلکه برای

غلبه بر دیگران و پیروز

نشان دادن خویش

به کار می رود



ملت های مسلمان باید باهم متحد شوند. در داخل هر کشور، گروه های مختلف، مذاهب مختلف، جناح های مختلف، باید دست به دست هم بدهند [و] اختلافات فکری و عقیدتی و سیاسی و سلیقه ای و جناحی را بر حرکت های اساسی خودشان حاکم نکنند تا بتوانند در مقابل دشمن بایستند.

بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

« خداوند متعال کسانی را که درباره دین خدا مجادله می کنند، لعنت کرده است و اینان به زبان رسول خدا ﷺ نیز ملعون اند. »^۱ چنین مناظره هایی که فقط به منظور اظهار فضل و غلبه بر دیگران صورت می گیرد، سرچشمه ای است برای بسیاری از خوی ها و رفتارهای زشت، از جمله: ریا و تظاهر، عیب جویی، خودستایی، تکبر، حسد، جاه طلبی، نفاق و دورویی و متهم کردن دیگران به نسبت های ناروا. مثلاً فردی که مبتلا به تکبر علمی است و خود را برتر از دیگران می داند، هرگز حاضر نیست در بحث و گفت و گو دیدگاه طرف مقابل را بپذیرد و حتی اگر حق با دیگران باشد، باز هم آن را نمی پذیرد و انکار می کند. در این زمینه، کلام نورانی امام رضا (ع) که به واسطه پدران بزرگوارشان از رسول خدا ﷺ روایت فرموده اند، راهگشاست:

إِيَّاكُمْ وَ مُشَارَةَ النَّاسِ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الْعُرَّةَ وَ تَدْفِنُ الْعُرَّةَ.^۲

از مشاجره و مجادله با مردم دوری کنید؛ چون اخلاق زشت را آشکار و محاسن و اخلاق پسندیده را نابود می کند.

البته مناظره و گفت و گو، اگر به هدف روشن ساختن حق بوده و با تعامل علمی با دیگران همراه باشد، شامل خطاب این روایت نیست و می تواند در جایگاه خاص خود بسیاری از سوء تفاهم ها و تعصب های بی پایه را از میان مسلمانان ریشه کن کند. چنین روشی، در واقع همان مجادله احسن است که قرآن کریم همگان را به آن فرا می خواند:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۳

به وسیله حکمت و اندرزهای نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن و با آن ها [یعنی مخالفان] با شیوه ای که نیکوتر است، به مناظره بپرداز.

بدیهی است مجادله و مناظره هنگامی مؤثر می افتد که حق، عدالت، درستی، امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هرگونه توهین، تحقیر، خلاف گوئی و استکبار خالی باشد و خلاصه تمام جنبه های انسانی اش حفظ شود. این مهم در سیره امام رضا (ع) به وضوح نمایان است. مأمون به انگیزه های مختلف، همواره مناظره هایی را میان امام رضا (ع) و علمای

مناظره هایی که فقط

به منظور اظهار فضل و

غلبه بر دیگران صورت

می گیرد، سرچشمه ای

است برای بسیاری از

خوی ها و رفتارهای

زشت، از جمله:

ریا و تظاهر، عیب جویی،

خودستایی، تکبر، حسد،

جاه طلبی، نفاق و دورویی

و متهم کردن دیگران به

نسبت های ناروا

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۳۱.

۳. نحل، ۱۲۵.

اهل بیت

این رویکرد، همواره با

برشمردن آیات قرآن

کریم در زمینه اخلاق و

آداب مناظره، ضمن نهی

از مجادله و مخاصمه در

امور بی فایده مذهبی،

به تبیین مجادله احسن

پرداخته‌اند

اهل سنت یا سایر ادیان برنامه‌ریزی می‌کرد؛ ولی آن حضرت افزون بر در نظر گرفتن تمام جنبه‌های حق، تأکید فراوانی بر رعایت اخلاق مناظره علمی داشتند و با این نگاه، به طرف مقابل فرصت می‌دادند که ذهن خود را فعال کرده و هرگونه اشکال و ابهام و ایراد را مطرح کند. همچنین آن حضرت هرگز در گفت‌وگو با ایشان سخن زشتی بر زبان نمی‌آوردند، آنان را سرزنش نمی‌کردند، عیوبشان را جست‌وجو نمی‌کردند و هیچ‌گاه در مناظرات سخن آنان را قطع نمی‌کردند؛ مگر آنکه از حد می‌گذشت.^۱

اهل بیت با این رویکرد، همواره با برشمردن آیات قرآن کریم در زمینه اخلاق و آداب مناظره، ضمن نهی از مجادله و مخاصمه در امور بی فایده مذهبی، به تبیین مجادله احسن پرداخته‌اند. امام حسن عسکری در معنای مجادله احسن و غیر احسن، از جد بزرگوارشان امام صادق چنین روایت فرموده‌اند:

مجادله غیر احسن، مجادله‌ای است که با اهل باطل به بحث بپردازي و او دلیلی بر باطل خود اقامه کند؛ ولی تو با دلیلی که خداوند بحق در مقابل او قرار داده است، باطلش را رد نکنی؛ بلکه فقط حرف او را انکار کنی یا منکر واقعیت و ادعای صحیحی بشوی که برای اثبات ادعای باطل خود از آن کمک گرفته است و به این سبب، از خوف آنکه می‌ترسی به واسطه آن دلیل، مطلوب او ثابت شود، آن حق را انکار کرده و به باطلی معترف شوی! همه این‌ها به خاطر آن است که تو راه خلاصی و پاسخ دادن به او را نمی‌دانی! این چنین مجادله و مناظره‌ای برای شیعیان ما حرام است؛ زیرا موجب فتنه و گرفتاری پیروان ناتوان ما و نیز اهل باطل است [و آن‌ها را درگیر خطا و اشتباه می‌کند]؛ اما اهل باطل، آن ضعف را هنگام بحث با افراد ناتوانان، دلیلی بر پوچی استدلال‌های شما و حجتی بر ادعای باطل خود قرار می‌دهند و افراد ناتوان شما از مشاهده این وضع، دلگیر و محزون می‌شوند؛ چون می‌بینند اعتقاد صحیح آن‌ها در چنگ اهل باطل تضعیف شد.

اما مجادله احسن همان گونه است که خداوند به پیامبرش در بحث با منکرین حشر آموخته است. طبق این روایت از امام حسن عسکری، امام صادق سپس با بیان نمونه قرآنی این نوع مناظره فرموده‌اند:

۱. شرح کامل مناظره‌های امام رضا در کتاب عیون أخبار الرضا آمده است.

این معنای مجادله احسن است که در آن، جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای مخالف باقی نمی‌گذارد [و شبهه و اعتراض مطابق فهم خود او پاسخ داده می‌شود]. اما جدال غیر احسن این است که منکر حقی شوی که قدرت تشخیص حق و باطل طرف بحث را از تو سلب می‌کند و با این انکار حق، فقط او را از باطلش دور می‌کنی [نه اینکه او را به حق نزدیک کنی] و این شیوه ممنوع و حرام است؛ زیرا تو نیز مانند او هستی؛ او یک واقعیت را انکار کرده است و تو واقعیت دیگری را.^۱

باید پذیرفت که بسیاری از مجادله‌ها و مناظره‌هایی که بین بعضی از شیعیان و اهل سنت صورت می‌گیرد، نه فقط حق را مشخص نمی‌کند، بلکه بر خصومت و دشمنی بین مذاهب اسلامی نیز می‌افزاید. رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره فرموده‌اند:

در یک کشور اروپایی غیر اسلامی دشمن تاریخی و بنیادین با کشورهای اسلامی، شما می‌بینید توی تلویزیونشان مناظره شیعه و سنی راه می‌اندازند! یکی را از شیعه دعوت می‌کنند، یکی را از سنی دعوت می‌کنند که شما بیایید توی این تلویزیون باهم مناظره کنید. مقصودشان چیست؟ یک کشور مسیحی، یک کشور استعمارگر با سابقه سیاه، مناظره شیعه و سنی به چه مقصود راه می‌اندازد؟ می‌خواهد حقیقت معلوم بشود؟ می‌خواهد در بین مباحثه و مناظره، مستمعین و مخاطبانش حق را بفهمند یا می‌خواهد از این گفت‌وگوها و از آنچه که در خلال این گفت‌وگوها ممکن است از کسی سر بزنند، این آتش اختلاف را تشدید کند [و] نفت روی این آتش بریزد؟

این‌ها باید ما را بیدار کند. این‌ها باید ما را به خود بیاورد. باید هشیار بشویم. شیعه منطق قوی‌ای دارد. استدلال متکلمین شیعه و علمای شیعه درباره مباحث تشیع، استدلال‌های پولادین و محکمی است؛ اما این ربطی ندارد به اینکه در دنیای تشیع شروع کنند به مخالفان خودشان بدگویی کردن و اهانت کردن و ایجاد دشمنی کردن [و] آن‌هم در مقابل، همین جور [رفتار کنند] و آتش دعوا درست کنند.

ما اطلاع داریم: بنده، هم امروز اطلاع دارم، هم از گذشته اطلاع دارم که پول‌ها دارد خرج می‌شود برای اینکه این‌ها کتاب

باید پذیرفت که
بسیاری از مجادله‌ها
و مناظره‌هایی که بین
بعضی از شیعیان و
اهل سنت صورت
می‌گیرد، نه فقط حق
را مشخص نمی‌کند،
بلکه فقط بر خصومت
و دشمنی بین مذاهب
اسلامی می‌افزاید

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۱.

امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم. این وظیفه یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان، قدرت تأثیرگذاری دارند.

بیانات در دیدار با جمعی از مردم و مسئولان نظام، ۱۳ اسفند ۱۳۸۸



فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه آن‌ها [و] آن‌ها کتاب فحش و دشنام و تهمت بنویسند علیه این‌ها! پول هر دو را هم یک مرکزی دهد، پول هر دو کتاب و نشر هر دو کتاب از یک جیب خارج می‌شود. این‌ها هشداردهنده نیست؟! این‌ها را باید توجه کنند.^۱

۷.۲. تبیین صحیح معارف اهل بیت (ع) و رازداری

از کلام ائمه اطهار (ع) چنین درمی‌یابیم که تنها عاملی که خواهد توانست دیگران را از مقام والا و الهی اهل بیت (ع) آگاه کرده و آن‌ها را ملزم به تبعیت از آن بزرگواران کند، بیان محکمت و محاسن کلام خود این بزرگواران (ع) است. در طول تاریخ، معارفی که حقیقت عالیّه آن‌ها برای تمامی مسلمانان آشکار بوده است، حتی متعصب‌ترین افراد را وادار به اعتراف به جایگاه رفیع معنوی و علمی ائمه اطهار (ع) کرده است. مؤید این سخن فرمایشی است که عبدالسلام هروی از علی بن موسی الرضا (ع) نقل کرده است. او از آن حضرت (ع) شنید که فرمودند: «رَجَمَ اللَّهُ عَبْدًا أَخِيَا أَمْرًا». (خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند). پرسید: «چگونه امر شما زنده می‌شود؟» امام رضا (ع) فرمودند: «يَتَعَلَّمُ غُلُومُنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ غُلَامِنَا لَتَبَعُونَا». ^۲ (علوم ما را بیاموزد و به مردم بیاموزاند؛ زیرا اگر مردم از زیبایی‌های کلام ما آگاهی می‌یافتند، از ما پیروی می‌کردند).

در کلام گهربار دیگری، امام رضا (ع) از پدر بزرگوارشان امام کاظم (ع) چنین روایت فرموده‌اند:

رَجَمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُبَيِّضْنَا إِلَيْهِمْ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَوْ يَرَوْنَ مَحَاسِنَ غُلَامِنَا لَكَانُوا أَعَزَّ وَلَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بَشِيءٌ. ^۳

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۷ آذر ۱۳۸۷.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳. منسوب به علی بن موسی الرضا (ع)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، ص ۳۵۶.

۴. این روایت در منابع دیگر با اندکی تفاوت درواژه‌ها از امام صادق (ع) نیز نقل شده است؛ از جمله: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۹؛ علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۸۰.

از کلام ائمه اطهار (ع)

چنین درمی‌یابیم که

تنها عاملی که خواهد

توانست دیگران را

از مقام والا و الهی

اهل بیت (ع) آگاه

کرده و آن‌ها را ملزم به

تبعیت از آن بزرگواران

کند، بیان محکمت و

محاسن کلام خود این

بزرگواران (ع) است



مسلمان‌ها باید با هر عامل مخالف وحدت و ضد وحدت مقابله بکنند. این یک تکلیف بزرگ برای همه ماست.

بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۲۹ دی ۱۳۹۲

رحمت خدا بر بنده‌ای که ما را نزد مردم [عامه] محبوب کند و منفور آنان نکند. به خدا قسم، اگر زیبایی‌های کلام ما را روایت می‌کردند، ارجمندتر بودند و هیچ‌کس نمی‌توانست به آن‌ها هیچ نسبتی بدهد [که در درس‌ساز باشد].
بی‌شک بعضی از باورهای مذهبی شیعه، برای اهل سنت پذیرفتنی نیست و آن‌ها تحمل و ظرفیت قبول این اعتقادات را ندارند؛ زیرا مبانی اعتقادی شیعه را قبول ندارند؛ از این رو مطرح کردن بعضی از اندیشه‌های شیعه، واکنش شدید ایشان را در پی دارد؛ تا آنجا که حتی ممکن است برخی‌شان به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) توهین کرده و از آن روی برگردانند.

متأسفانه همواره بی‌توجهی به این موضوع و بیان معارف و اعتقاداتی که فراتر از فهم عامه مسلمانان است، بیشترین و سهمگین‌ترین ضربه‌ها را به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد کرده و موجب فاصله گرفتن هرچه بیشتر عامه مسلمانان از معارف الهی آن بزرگواران (علیهم‌السلام) شده است! مسلماً وقتی که اهل بیت (علیهم‌السلام) حتی جان مقدس خویش را هم فدای تبلیغ معارف اسلام ناب محمدی می‌کردند، ضایع کردن این معارف به این روش، از جنگ با امامان معصوم (علیهم‌السلام) و به شهادت رساندن ایشان خطرتر است. به یکی از سفارش‌های امام صادق (علیه‌السلام) به محمد بن نعمان توجه فرمایید:

ای پسر نعمان، فاش‌کننده سز [ما] مثل کسی نیست که ما را با شمشیر خودش گشته است؛ بلکه بار گناه او سنگین‌تر است، بلکه گناه او سنگین‌تر است، بلکه گناه او سنگین‌تر است! ای پسر نعمان، هر کس حدیثی ضد ما نقل کند، در شمار کسانی است که ما را به عمد گشته است، نه به خطا.^۱

در توضیح این روایت باید گفت: کسی که به بیان نابجای معارف دینی و اعتقادات شیعه می‌پردازد، در واقع سایر مسلمانان را از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) منزجر می‌کند و حجابی میان اهل سنت و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) پدید می‌آورد. عجیب نیست که گناه چنین عملی را بسیار سنگین‌تر از به شهادت رساندن ائمه اطهار (علیهم‌السلام) دانسته‌اند؛ زیرا پیشوایان شیعه همگی، جان مقدسشان را فدای تبلیغ و گسترش معارف راستین اسلام کرده‌اند تا به واسطه زلال اندیشه آنان، دین اسلام از کجی‌ها و انحراف‌ها مصون بماند و به همین علت است که با شهادت هریک از آن بزرگواران (علیهم‌السلام) این معارف بیش‌ازپیش گسترش یافته است.

۱. امام صادق (علیه‌السلام) برای تأکید، این عبارت را سه بار تکرار کرده‌اند.

۲. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم‌السلام)، ص ۹۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۸.

کسی که به بیان نابجای معارف دینی و اعتقادات شیعه می‌پردازد، در واقع سایر مسلمانان را از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) منزجر می‌کند و حجابی میان اهل سنت و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) پدید می‌آورد. عجیب نیست که گناه چنین عملی را بسیار سنگین‌تر از به شهادت رساندن ائمه اطهار (علیهم‌السلام) دانسته‌اند

آری، دشمنان جان امام حسین (ع) را گرفتند؛ اما اندیشه‌های الهی آن حضرت جاودانه و جهانی شد. حال اگر کسی با تبلیغ نادرست و بیان نابجای اعتقادات شیعه، مردم را از مکتب اهل بیت (ع) متنفر کند، آیا گناه کار او را می‌توان با به شهادت رساندن این عزیزان (ع) یکی دانست؟! پاسخ واضح است: هرگز.

دشمنانی که جان معصومان (ع) را گرفتند، نتوانستند در اندیشه‌های ایشان خللی وارد کنند؛ اما چنین دوستان نادانی، اندیشه‌های امام را متروک و مهجور می‌کنند. این مطلبی است که ائمه اطهار (ع) در روایات فراوانی بر آن تأکید فرموده‌اند.^۱

۸.۲. نهی از سخنان و رفتارهای غالیانه و وهن آمیز

همه می‌دانیم که ولایت حقیقی و انحصاری از آن خداست و از غیر خدا کاری ساخته نیست. قرآن کریم با یادآوری این معنا، ولایت را منحصر از آن خداوند دانسته است: «قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ»^۲ همچنین در آیه‌ای دیگر بر این نکته تأکید فرموده است که برای انسان، ولی و یآوری جز خدا نخواهد بود: «وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»^۳ از همین رو، هنگامی که سخن از ولایت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به میان می‌آید، در واقع این ولایت، برگرفته از همان ولایت الهی بوده و جدای از آن نیست؛ پس اهل بیت (ع) هیچ‌گاه برای ما هدف و مقصود نهایی نبوده‌اند و نیستند: محبت و عشق ما به آن بزرگواران به خاطر ولایت الهی است که در وجودشان تبلور یافته است و تبعیت و اطاعت ایشان نیز از آن رو بر ما واجب است که ما را به ولایت و اطاعت از خداوند رهنمون می‌کنند.

در این راستا باید ابراز محبت به اهل بیت (ع) و اطاعت از ایشان به گونه‌ای باشد که دیگران گمان نکنند شیعیان، ائمه اطهار (ع) را هدف و مقصود نهایی می‌دانند و برایشان محبت و ولایتی مستقل از ولایت خداوند قائل‌اند. البته این معنا در ذهن بیشتر شیعیان متمرکز است و کمتر کسی چنین عقیده‌ای دارد؛ اما گاهی رفتارها و سخنان بعضی از شیعیان ناآگاه، خلاف آن را به دیگران القا

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۱۱؛ احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۶؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۵۱؛ ابی الحسن وزام بن ابی فراس مالکی اشیری، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲. شوری، ۹.

۳. بقره، ۱۰۷.

می کند. اهل بیت علیهم السلام، بارها در این باره به شیعیان تذکر داده اند. برای نمونه، عبدالسلام هروی خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد: «نزد مردم شایع کرده اند که شما ادعا می کنید مردم بنده زر خریدتان هستند!» آن حضرت در پاسخ فرمودند:

خداوند، ای کسی که آسمان ها و زمین را آفریده ای و به ناپیدا و پیدا آگاهی! تو شاهدی که من چنین مطلبی را هرگز نگفته ام و از احدی از پدرانم علیهم السلام نیز نشنیده ام که چنین کلامی گفته باشند. بار الها، تو خود می دانی که از سوی این مردم چه ستم هایی به ما وارد شده است و این افترا هم از ستم های ایشان است که درباره ما روا داشته اند.

جالب اینجاست که آن حضرت پس از این سخن، استدلالی در رد این شایعه بیان کردند؛ سپس بر این نکته تأکید فرمودند که اطاعت از اهل بیت علیهم السلام به خاطر ولایتی است که خداوند به ایشان داده است: «ای عبدالسلام، آیا تو نیز مانند دیگران، آنچه خداوند تعالی از ولایت و امامت ما بر تو و دیگران واجب فرموده است، انکار می کنی؟» عبدالسلام در پاسخ به این تأکید صریح امام عرض کرد: «پناه بر خدا! هرگز. من به ولایت و امامت شما اقرار دارم.»^۱

همین معنا را به وضوح در روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام می بینیم. محمد بن زید طبری در خراسان در خدمت علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و جمعی از بنی هاشم که اسحاق بن موسی نیز همراه آن ها بود، به حضور آن حضرت شرفیاب شدند. امام رئوف علیه السلام خطاب به اسحاق فرمودند:

ای اسحاق، به من خبر رسیده است که مردم می گویند ما عقیده داریم همه مردم بنده های ما هستند! نه، سوگند به خویشی و قرباتی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارم، من هرگز چنین چیزی نگفته ام و از پدران خود هم نشنیده ام و به من نرسیده است که یکی از نیاکان من چنین گفته باشد؛ ولی می گویم که مردم در اینکه اطاعت و پیروی ما از سوی خداوند بر آن ها واجب است، مطیع ما هستند و در دیانت و معارف الهی به ما وابسته اند. این مطلب را باید حاضران به غائبان برسانند.^۲

درس بزرگ این روایات برای تمام شیعیان این است که در اظهار علاقه و محبت به اهل بیت علیهم السلام باید تمام جنبه ها را در نظر بگیرند و

متأسفانه امروزه،

رسانه های وهابی و

شیعه ستیز تصویرهایی

همچون قمه زنی بعضی

از شیعیان در عزاداری ها

را نمایش می دهند و با

تمسک به این صحنه ها

ضمن تکفیر شیعه و

بدعت گذار نامیدن

آن، اعمال غیر انسانی

و خشونت آمیز خویش

علیه شیعیان را

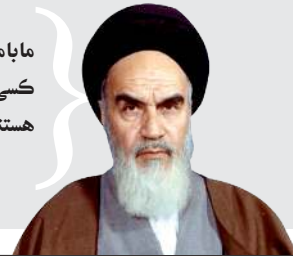
توجیه می کنند

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند.

صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۳۳



هر سخن و کلامی را بر زبان جاری نکنند. بعضی از سخن ها و رفتارها برای شیعیانی که به اهل بیت (ع) علاقه و محبت وافری دارند، توجیه پذیر است؛ اما ممکن است سایر مسلمانان تصور درستی از این امور نداشته باشند و مشاهده یا شنیدن آن ها، نگاهشان را به مذهب تشیع خدشه دار کند یا حتی با به وجود آمدن حجاب تعصب و بدبینی، از معارف والای اهل بیت (ع) دورشان کند.

متأسفانه امروزه، رسانه های وهابی و شیعه ستیز تصویرهایی همچون قمه زنی بعضی از شیعیان در عزاداری ها را نمایش می دهند و با تمسک به این صحنه ها ضمن تکفیر شیعه و بدعت گذار نامیدن آن، اعمال غیرانسانی و خشونت آمیز خویش علیه شیعیان را توجیه می کنند. کافی است لحظه ای خود را جای آن مرد و زن و حتی کودکی قرار دهید که هیچ شناخت و تصور صحیحی از شیعه و شیعیان ندارند و مذهب تشیع، هم اکنون با این تصاویر به آن ها شناسانده می شود یا جای مسلمان اهل سنتی که همواره از شیعیان نزد او بدگویی شده است و شیعه را به عنوان فرقه ای گمراه و بدعت گذار به او شناسانده اند؛ از این افراد چه انتظاری دارید! با کمال تأسف، این روزها، تصویرها و فیلم های رفتار نامناسب بعضی از شیعیان، دست آویزی است برای دورنگه داشتن ملت های مسلمان از حقیقت رسالت رسول الله (ص) و قتل شیعیان عراق و پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی. یک استشهادی وهابی با این تصویرها روزانه ده ها شیعه را می کشد! خود را فریب ندهیم: ما در قبال اعمالمان مسئولیم و بی تفاوتی در برابر پیامدهای این گونه رفتارها قطعاً عقاب اخروی را به دنبال خواهد داشت. این مطلب دقیقاً تذکر رهبر فرزانه مان (مدظله العالی) است درباره قمه زنی:

عرايض اينجانب به مردم متدين و عاشق خاندان نبوت و ولايت (ع) از روی دلسوزی است. اين جانب می بینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) مورد جفا و قضاوت های جهانی واقع می شود! چگونه درک روشن بینانه آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت (ع) به خاطر بعض [ی] اعمال جاهلانه، حمل بر اموری می شود که از ساحت شیعه و ائمه بزرگوارشان بسی دور است! می بینم که چگونه عزاداری بر جگر گوشه گان زهرای اطهر (ع) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغاتچی های شیطان استعمار قرار می گیرد! می بینم که بعض اعمالی که هیچ ریشه دینی هم ندارد، بهانه به دست دشمن مغرض می دهد که بدان وسیله، هم اسلام و تشیع را العیاذ بالله، به عنوان آیین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند.

می بینم که بعض

اعمالی که هیچ ریشه

دینی هم ندارد، بهانه

به دست دشمن مغرض

می دهد که بدان وسیله،

هم اسلام و تشیع را

العیاذ بالله، به عنوان

آیین خرافه معرفی کنند

و هم بغض و عداوت

خود را نسبت به نظام

مقدس جمهوری

اسلامی در تبلیغات خود

آشکار سازند



شیعهٔ محب و مخلصی که در روز عاشورا با قمه سر و روی خود و حتی کودکان خردسال خود را خونین می‌کند، آیا راضی است که با این عمل خود، در روزگاری که هزاران چشم عیب‌جو و هزاران زبان بدگو در پی بدمعرفی کردن اسلام و تشیع است، [کسی] عمل او را مستمسک دشمنی خود قرار بدهد؟ آیا راضی است که با تظاهر به این عمل، خون ده‌ها هزار جوان بسیجی صفت عاشق را که برای آبرودادن به اسلام و تشیع و نظام جمهوری اسلامی بر زمین ریخته شده است، ضایع سازد؟ آنچه از قول مراجع سلف (رحمت‌الله‌علیهم) نقل شده است، بیش از این نیست که اگر این کار ضرر معتنابه ندارد، جایز است. آیا سبک کردن شیعه در افکار جهانیان ضرر معتنابه نیست؟!

آیا مخدوش کردن محبت و عشق شیعیان به خاندان مظلوم پیامبر ﷺ و به خصوص شیفتگی بی‌حد و حصر آنان به سالار شهیدان ﷺ را بدجلوه دادن، ضرر نیست؟! کدام ضرر از این بالاتر است؟ اگر قمه زدن به صورت عملی انفرادی در خانه‌های دربسته انجام می‌گرفت، ضرری که ملاک حرمت است، فقط ضرر جسمی بود. وقتی این کار علی‌رؤوس الاشهاد و در مقابل دوربین‌ها و چشم‌های دشمنان و بیگانگان، بلکه در مقابل چشم جوانان خودمان انجام می‌گیرد، آن وقت دیگر ضرری که باید معیار حرمت باشد، فقط ضرر جسمی و فردی نیست؛ بلکه مضرات بزرگ تبلیغی که با آبروی اسلام و شیعه سروکار دارد نیز باید مورد توجه باشد.^۱

۱. پاسخ رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به نامهٔ امام جمعهٔ اردبیل، ۲۷ خرداد ۱۳۷۳.

۹۰۲. مقابله با تکفیرگرایی

واقعیت این است که طبق روایات فراوان رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) همه مردم در شناخت حق و پیروی از آن، در یک سطح نیستند؛ از این رو تعالیم دین نیز لایه‌های مختلف معنایی دارد که هرکس بنا بر توانمندی و پذیرش خود از دین، از آن بهره می‌برد؛ پس نباید هیچ‌کس را به غیر از آنچه توانش را دارد، مجبور کرد یا تصور کرد افرادی که اعتقادات ما را ندارند، مسلمان نبوده و کافرنند!

امام صادق (علیه السلام) در روایتی با این رویکرد، پس از تقسیم معارف اسلامی به هفت سهم، به تبیین این مطلب پرداخته‌اند که هر مسلمانی به میزان فهم خویش، از این معارف بهره می‌برد و تحمیل بیش از توان معارف الهی به افراد، زمینه تنفرو بیزاری آن‌ها از دین را فراهم می‌کند. امام راستی‌ها، جعفر بن محمد (علیه السلام) کلام خود را این‌طور ادامه داده‌اند:

بنابر این شما هم بر مردم فشار نیاورید. مگر نمی‌دانید که فرمانروایی دولت بنی‌امیه به زور شمشیر و فشار و ستم بود؛ ولی فرمانروایی ما با مدارا، مهربانی، متانت، تقیه، معاشرت نیکو، پاک‌دامنی و کوشش است؟! پس کاری کنید که مردم به دین شما و مسکنتان رغبت پیدا کنند.^۱

حسن بن جهم به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: «نزد ما قومی هستند که محب‌اند؛ ولی عزم و تصمیم ندارند [و در این موضوع راسخ نیستند].» سخن آن بزرگوار (علیه السلام) خطاب به این صحابی وفادار بسیار راهگشا است:

خدا در برابر آن‌ها عتاب و خرده‌گیری ندارد؛ [زیرا] خداوند فرموده است: ﴿...فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾^۲ (عبرت بگیرید، ای صاحبان بصیرت).^۳

از این کلام نورانی چنین برمی‌آید که سرزنش شدگان و عقوبت‌شوندگان، صاحبان بصیرت‌اند که حق به ایشان رسیده است و به آن عمل نکرده یا آن را انکار کرده‌اند.

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۳۵۴ و ۳۵۵؛ محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۶۴.

۲. حشر، ۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

همه مردم در شناخت

حق و پیروی از آن، در

یک سطح نیستند؛

از این رو تعالیم دین

نیز لایه‌های مختلف

معنایی دارد که هرکس

بنا بر توانمندی و پذیرش

خود از دین، از آن بهره

می‌برد

همچنین امام رضا علیه السلام یونس بن عبدالرحمن را در مقابل بدگویی های دیگران، با این توجیه که آن ها عقلشان نمی رسد، به مدارا توصیه فرمودند^۱ و در جایی دیگر خطاب به شخصی از شیعیان شان که می گفت: «خداوند لعنت کند کسانی را که با امیرالمؤمنین علیه السلام به جنگ برخاستند!» از او خواستند که بگوید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَأَصْلَحَ»؛ یعنی به غیر از کسانی که توبه کرده و خود را اصلاح کردند. پس از آن نیز فرمودند: «گناه آنان که تخلف ورزیدند و با او در دفع فساد و مفسدان همکاری نکردند، بزرگ تر است از گناه آن هایی که با او جنگیدند و بعد، توبه کردند.»^۲

این روایت و روایات مشابه، بیانگر روح آزاد و نگاه ژرف اندیش ائمه اطهار علیهم السلام در قبال وقایعی است که در جامعه اسلامی اتفاق افتاده است و نشان می دهد که این بزرگواران علیهم السلام کاملاً بدون هیچ گونه تعصب شخصی و نگاه جانبدارانه به این موضوعات می نگریستند.

۱۰۲. مقابله با تبعیضات قومیتی

ائمه اطهار علیهم السلام ایمان و تقوا را معیار اصلی برتری مسلمانان دانسته اند و ضمن احترام به تفاوت های نژادی و قومیتی، اصالت و برتری دادن به این ویژگی ها را شدیداً مذمت کرده و آن را برخلاف خط مشی دین اسلام معرفی کرده اند. در این زمینه به یک نمونه تاریخی اشاره می کنیم: هنگامی که فضل بن سهل در حضور امام رضا علیه السلام به مأمون خبر داد حکومت و ولایت ناحیه ای از کشور اسلامی را به فردی با وابستگی های قومیتی داده است، آن حضرت این عمل را برخلاف تعهد خداوند از خلیفه و حاکم مسلمانان دانسته و هشدار فرمودند که چنین کسی ممکن است مصالح قومیتی را بر مصالح اسلامی و ایمانی برتری دهد و اختلاف را در جامعه اسلامی حکم فرما کند.^۳

۱. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۸.

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۹.

۳. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۹، ص ۱۳۶.



فصل سوم:

در مسیر وحدت اسلامی





حوزه علمیه هم برای اینکه پیشرفت کند و از جمود خارج شود، باید روش‌های علمی‌ای را به دست آورد که در دانشگاه معمول است. امروز بحمدالله حوزه در این جهت پیشرفت‌های زیادی کرده است. این، آن وحدت مورد نظر امام است.

بیانات در دیدار با طلاب و دانشجویان، ۲۷ آذر ۱۳۷۳

تأکیدات مراجع تقلید بر لوازم وحدت اسلامی

از نظر مراجع تقلید لزوم پایبندی به لوازم وحدت اسلامی، یکی از وظایف اصلی شیعیان در زمان کنونی است و تأکیدات فراوانی از طرف آن‌ها در این باره وجود دارد. آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در پاسخ به سؤالی که موضوع مقابله به مثل در برابر تکفیر شیعیان را جویا شده بود، این‌گونه فرموده‌اند:

هرکس شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت خاتم انبیا علیه السلام بدهد، مسلمان است و جان و عرض و مال او مانند جان و عرض و مال کسی که پیرو مذهب جعفری است، محترم است و وظیفه شرعی شما آن است که با گوینده شهادتین، هرچند شما را کافر بدانند، به حسن معاشرت رفتار کنید و اگر آن‌ها به ناحق با شما رفتار کردند، شما از صراط مستقیم حق و عدل منحرف نشوید.

اگر کسی از آن‌ها مریض شد، به عیادت او بروید و اگر از دنیا رفت، به تشییع جنازه او حاضر شوید و اگر حاجتی به شما داشت، حاجت او را برآورید و به حکم خدا تسلیم باشید که فرمود: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی»^۱ و به فرمان خداوند متعال عمل کنید که فرمود: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ اَلْقٰی اِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»^۲ و السلام علیکم ورحمة الله.^۳

همان‌گونه که مشخص است، این فتوا در واقع، مضمون روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام است که در آن‌ها شیعیان را به مراوده، همنشینی، مجالست و معاشرت نیکو با اهل سنت در تمامی سطوح زندگی دینی و اجتماعی فرا خوانده‌اند تا این رفتارها بتواند با ترسیم چهره‌ای خوب و درخشان از شیعه در اذهان عمومی مسلمانان، تبلیغی مؤثر برای مکتب تشیع باشد.

۱. دشمنی با جمعیتی دیگر، شما را به [گناه و] ترک عدالت نکشاند. به عدالت رفتار کنید که [این کار] به تقوا نزدیک‌تر است (مائده، ۸).

۲. و به کسی که اظهار [صلح و] اسلام می‌کند، نگوئید: «مسلمان نیستی!» (نساء، ۹۴).

۳. نک:

هر زمان علما و حوزه‌های

علمیه شیعه و اهل سنت

به یکدیگر نزدیک

شده‌اند و به تعامل

بیشتری پرداخته‌اند،

رشد و پیشرفت

بهبود و افزون تری را

در اندیشه‌های دو

طرف شاهد بوده‌ایم؛

به علاوه بسیاری از

سوء تفاهم‌های میان

آن‌ها نیز از این طریق

برطرف شده است

وظیفه مهم حوزه‌های علمیه

هر زمان علما و حوزه‌های علمیه شیعه و اهل سنت به یکدیگر نزدیک شده‌اند و به تعامل بیشتری پرداخته‌اند، رشد و پیشرفت بهتر و افزون تری را در اندیشه‌های دو طرف شاهد بوده‌ایم؛ به علاوه بسیاری از سوء تفاهم‌های میان آن‌ها نیز از این طریق برطرف شده است. نمونه‌هایی از این تعاملات و ارتباطات را در زمان علمای برجسته شیعه همچون شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، علامه حلی و شهید ثانی (رحمة الله علیهم) شاهد بوده‌ایم. عالمان اهل سنت نیز از این بزرگان شیعه با بهترین عبارات یاد کرده و علم و فضیلت و دانش آن‌ها را ستوده‌اند.

اگر مجاهدت‌های شخصی آیت الله العظمی بروجردی رحمته در مسیر تعامل با عالمان جهان اسلام و خصوصاً شیوخ الأزهر مصر در پیش از انقلاب نبود، امروز سوء تفاهم‌ها و حجاب‌ها میان حوزه‌های علمیه شیعه و مراکز علمی اهل سنت، به مراتب بیش از این بود. تلاش‌ها و اقدامات بی دریغ آیت الله العظمی بروجردی در مسیر تقریب مذاهب اسلامی و ارتباط مستمر ایشان با شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الأزهر مصر، منجر به صدور فتاوایی تاریخی از شیخ شلتوت شد که از آن می‌توان به بزرگ‌ترین رویداد در روابط فِرَق اسلامی در چهارده قرن گذشته یاد کرد. در این فتوا عمل به فقه جعفری جایز شمرده شده و از آن به عنوان مذهبی اسلامی در کنار مذاهب دیگر اهل تسنن یاد شده است.^۱

همچنین نقل شده است که مرحوم بروجردی کتاب مبسوط شیخ طوسی را به عنوان هدیه برای شیخ عبدالمجید سلیم، رئیس وقت الأزهر فرستاده بود. این کتاب در او چنان اثر گذاشته بود که در اواخر عمرش گفته بود: «چه آن موقع که مفتی سرزمین مصر بودم و چه بعد که عضو لجنة^۲ افتاء الأزهر بودم، هرگاه می‌خواستم به کمیسیون فتوا بروم، برای نظر دادن در مسئله‌ای، حتماً قبل از رفتن، کتاب مبسوط را مطالعه می‌کردم.»^۳

۱. نک: محمد جعفر نوری، دور الحوزة العلمية فی وحدة الأمة الإسلامية، ص ۱۰۳؛ عبدالحکیم بی‌آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۴۳.

۲. انجمن.

۳. محمد علی آذرشب، پیشینه تقریب، ص ۱۷۵.



داعش؛ اسلام آمریکایی و تشیع انگلیسی

امروز دشمنان اسلام دریافته‌اند که تنها راه مقابله با قدرت اسلام، ترویج افراط‌گرایی مذهبی در میان امت اسلامی است؛ زیرا جریان‌های افراط‌گرا از یک سو با ایجاد تفرقه و تکفیر و دسته‌بندی مسلمانان، آتش جنگ و دشمنی را میان آن‌ها شعله‌ور می‌کنند و از درون امت اسلامی به مبارزه با اسلام اصیل پرداخته و درصدد حذف و نابودی آن هستند و از سوی دیگر، رفتارهای زشت و ضدتبلیغی این جریان‌ها نیز بهترین ابزار برای تخریب چهره اسلام در میان جهانیان بوده و مؤثرترین راه مقابله با اسلام‌گرایی به شمار می‌آید.

از این رو آمریکا و غرب با کمک‌های پیدا و پنهان خویش از گروه‌های تروریستی همچون داعش، فعالیت آن‌ها را در میان مسلمانان گسترش داده‌اند. حتی اگر کسی منکر نقش آمریکا در تقویت و گسترش این گروه‌های افراط‌گرا باشد، تردیدی نیست که بعضی

از دولت‌های اسلامی، همچون عربستان و قطر و ترکیه که متحد و هم‌پیمان آمریکا هستند، نقش مستقیمی در تجهیز و هدایت این گروه‌ها دارند و به نوعی اسلام آمریکایی، پشت پرده تقویت این گونه افراط‌گرایی‌ها در میان مسلمانان است.

در حقیقت، اسلام آمریکایی قرائت و تفسیری از اسلام است که با به انحراف کشیدن تعالیم ناب اسلامی، امت اسلامی را از آرمان‌ها و خواسته‌های اصیل خود دور می‌کند و از این راه، به تحقق اهداف صهیونیست بین‌الملل و نظام‌های استعمارگرو سلطه‌طلب، همچون آمریکا و انگلیس کمک فراوانی می‌کند. در این مسیر، متأسفانه عده‌ای محدود از شیعیان نیز به دنبال تبلیغ شکل و صورت خاصی از تشیع هستند که با این کار، به تحقق اهداف و سیاست‌های این نظام‌های سلطه‌گر کمک شایانی می‌کنند؛ زیرا از یک طرف، خصومت و دشمنی میان مسلمانان را دامن زده و ستیز با مسلمانان را اولویت مذهبی خویش می‌دانند و از طرف دیگر، با تخریب چهره تشیع، سایر مسلمانان را از منطق ولایی انقلاب اسلامی ایران دور کرده و آرمان‌های توحیدی و استکبارستیزانه اهل بیت (ع) را در پس حجاب تعصبات مذهبی پنهان می‌دارند.

در سال‌های اخیر، این جریان‌ها با عنوان تشیع انگلیسی معروف شده‌اند؛ چراکه طبق شواهد و اسناد فراوان، استعمار پیر انگلیس سال‌هاست به هدایت و گسترش این گونه تفکر و رفتارها در میان شیعیان می‌پردازد و مطالعات فراوانی در این زمینه دارد. رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در این باره فرموده‌اند:

یک عده‌ای خیال می‌کنند اثبات تشیع به این است که انسان به بزرگان مورد اعتقاد اهل سنت و دیگران بنا کند مدام بدوبیراه‌گفتن! نه، این خلاف سیره ائمه است. اینکه شما می‌بینید رادیوها یا تلویزیون‌هایی در دنیای اسلام به وجود می‌آید که کار آن‌ها این است که به عنوان شیعه و به نام شیعه، به بزرگان مورد اعتقاد بقیه فرقه اسلامی بدگویی کنند، این معلوم است که بودجه‌اش خزانه داری انگلیس است، این بودجه‌اش بودجه انگلیس [است]، این شیعه انگلیسی است! هیچ‌کس خیال نکند که گسترش شیعه و اعتقاد تشیع و استحکام ایمان شیعی به این بدوبیراه‌گفتن و به این [طرز] حرف زدن است. نخیر، این‌ها عکس عمل می‌کند. وقتی شما بدوبیراه‌گفتید، دور او یک حصار کشیده می‌شود از عصبانیت، از احساسات و [در نتیجه] دیگر حرف حق هم برایش قابل تحمل نیست.^۱

۱. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر، ۳۰ شهریور ۱۳۹۵.

البته باید به این موضوع نیز توجه داشت که میان تعبیر «تشیع انگلیسی» و «شیعه انگلیسی» تفاوت وجود دارد. تشیع انگلیسی به اندیشه‌های افراطی و فرقه‌گرایانه‌ای گفته می‌شود که ترویج آن‌ها دشمنان را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌رساند. در این مسیر ممکن است افرادی ناخواسته و از روی جهل، تعصب، غفلت، جاه‌طلبی و... به ترویج این تفکرات و رفتارها بپردازند؛ اما شیعیان انگلیسی مزدورانی هستند که نظام سلطه مستقیماً آن‌ها را به خدمت گرفته‌اند تا به گسترش و هدایت تشیع انگلیسی بپردازند. با این توضیح، به کاربردن تعبیر تشیع انگلیسی برای جریان یا گروهی، مستلزم ارتباط مستقیم آن‌ها با انگلیس نیست؛ همان‌گونه که نمی‌توان گفت عامل انتحاری که خود را میان مسلمانان منفجر می‌کند، به صورت مستقیم مزدور و اجیرشده آمریکاست؛ ولی می‌توان با قاطعیت گفت که چنین شخصی، مروج اسلام آمریکایی است و به تحقق اهداف آمریکا کمک می‌کند. به دیگر سخن، این افراد خواه یا ناخواه بازیچه کسانی هستند که مأموریت فتنه‌انگیزی در جهان اسلام را برعهده دارند.

بی‌پرده باید گفت که افرادی در میان شیعه، با مأموریت هدایت و گسترش افراط‌گرایی، از احساسات مذهبی دیگران سوءاستفاده می‌کنند. اگر کسی این موضوع را نوعی توهم توطئه یا برچسب‌زنی ببیند، به طور مسلم، یا دشمن را دست‌کم گرفته است و از سیاست‌های پیچیده استکبار جهانی غافل است یا اینکه به دشمنان و مزدوران آن‌ها حسن‌ظن بیجا دارد. قدری تأمل کنیم: امروز که دشمنان اسلام از کوچک‌ترین فرصت‌ها برای ضربه‌زدن به امت اسلامی استفاده می‌کنند، آیا امکان دارد برای موضوع مهم افراط‌گرایی مذهبی که فرصت بی‌نظیری برای گذشته، شواهد و مستندات فراوان، حاکی از حمایت ویژه انگلیس از چنین مزدورانی است. آیا باین حال، باید همچنان با حسن‌ظن به این رفتارها نگریست و آن را محبت و علاقه دولت انگلیس به تشیع دانست؟!

تفاوت شهادت‌طلبی و انتحار

امروز دشمنان اسلام با کمک مزدوران تکفیری، درصدد هجو و تخریب چهره تعالیم مهم اسلامی، همچون جهاد و شهادت‌طلبی هستند. آن‌ها از این رهگذر توانسته‌اند مسلمانان را از دشمنان اصلی خویش غافل کرده و به جنگ با یکدیگر مشغول کنند؛

امروز که دشمنان

اسلام از کوچک‌ترین

فرصت‌ها برای

ضربه‌زدن به امت

اسلامی استفاده

می‌کنند، آیا امکان

دارد برای موضوع مهم

افراط‌گرایی مذهبی که

فرصت بی‌نظیری برای

آن‌هاست

بنابراین تبیین صحیح معارف اسلامی، از رویکردهای مهمی است که باید در مسیر وحدت امت اسلامی پیگیری شود. برای امت اسلامی باید تبیین کرد که اقدامات تروریستی و انتحاری گروه‌های تکفیری، هیچ نسبتی با شهادت‌طلبی ندارد؛ زیرا در عملیات استشهادی، شخص به دنبال به دست آوردن حق خود و پاسخ به تجاوزات یک تجاوزگر و مهاجم است؛ ولی تکفیریان در سرزمین اسلامی، خون مسلمانان را با نگاه فرقه‌ای و مذهبی می‌ریزند که خود این عمل، یک نوع تجاوز است. افزون بر این، در علمیات شهادت‌طلبانه، برنامه‌ریزی هوشمندانه‌ای برای حذف دشمنان و متجاوزان وجود دارد؛ ولی عملیات انتحاری، کورکورانه انجام می‌شود و در آن، شهروندان و افراد غیرنظامی هدف قرار می‌گیرند؛ پس باید گفت عملیات انتحاری چیزی جز خودکشی نیست.

مسئله مهم دیگر، این است که تکفیریان بر اساس تفکری غلط که حاصل جهل به باورهای اسلامی است، بدون داشتن شروط فقهی اجتهاد، به دلیل اینکه اساساً اجتهاد را قبول ندارند، حکم به ارتداد و کفر و شرک می‌دهند و در نهایت هم دست به انتحار و ترور می‌زنند. مجموع اعمالی که تکفیریان و وهابیان انجام می‌دهند، نه فقط فاقد شروط دفاع مشروع است، بلکه از مصادیق تجاوز است و این تجاوز، چیزی جز اسلام‌هراسی و مخدوش کردن چهره اسلام در بر نداشته است.

۱. قرآن کریم.
۲. آذرشب، محمدعلی، پیشینه تقریب، چ ۱، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۳. ابن أعثم کوفی، الفتوح، ج ۲، چ ۱، بیروت: دارالأضواء، ۱۹۹۱ م.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب، ج ۴، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، چ ۱، چ ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، چ ۱، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۸. ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، چ ۱، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۸ و ۱۲ و ۱۶، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱۹، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم، کتاب الطهارة، ج ۴، چ ۱، قم: نشر مهر، بی تا.
۱۲. رازی، ابوالفتوح، رُوضُ الجنان و رُوضُ الجنان فی تفسیر القرآن، چ ۱، چ ۱، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، چ ۸، قم: صحیفه، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، چ ۲، چ ۱، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۱ و ۲، چ ۱، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، چ ۱، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، چ ۲، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۱، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. صفری، نعمت الله، نقش تقیه در استنباط، چ ۱، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش.

۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، به تحقیق و تصحیح محمد باقر خراسان، ج ۱ و ۲، ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ۲، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۳، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۲۲. طبری آملی، محمد بن علی، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، ۲، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ ق.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۲، ۲، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۲۴. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، به تحقیق و تصحیح حسن مصطفوی، ۱، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴، ۱، قم: دار الحديث، ۱۴۲۹ ق.
۲۶. لشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواظ، به تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی، ۱، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. مالکی اشیری، ابی الحسن وزام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة وزام)، ج ۱ و ۲، ۱، قم: مكتبة الفقيه، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹، ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، به تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، ج ۳، ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. مسائلی، مهدی، پیشوایان شیعه؛ پیشگامان وحدت، ۱، مشهد: سپیده باوران، ۱۳۹۰ ش.
۳۱. مسائلی، مهدی، لعن های نامقدس، ۱، اصفهان: آرما، ۱۳۹۳ ش.
۳۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به تحقیق و تصحیح مؤسسة آل البيت علیه، ج ۱، ۱، قم: كنزۀ شیخ مفید رحمه، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. منسوب به علی بن موسی الرضا علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیه لإحياء التراث، ۱، ۱۴۰۶ ق. موسوی خمینی، سید روح الله، الرسائل، ج ۲، ۱، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ق.
۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیه لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳۵. نوری، محمد جعفر، دور الحوزة العلمیة فی وحدة الأمة الإسلامیة، ۱، بغداد: مركز العراق للدراسات، ۱۴۲۷ ق.

مسابقه فرهنگی «حدیث همدلی»

توضیحات شرکت در مسابقه

پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه، شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست، نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: حدیث همدلی ۱۳۱۴۲ محمدجواد کاظمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی: www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در کیوسک‌های راهنمای زائر بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

پرسش اول: آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران بر کدام گزینه دلالت می‌کند؟

۱. اتحاد و همبستگی شیعیان جهان
۲. اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان
۳. وحدت تمام مذاهب آسمانی و توحیدی
۴. تأکید بر اتحاد مسلمانان و مسیحیان

پرسش دوم: امام سجاده علیه السلام در دعای ۲۷ صحیفه سجادیه، برترین پاداش‌های الهی را برای چه گروهی طلب کرده‌اند؟

۱. مرزداران
۲. عارفان
۳. عالمان
۴. عاقلان

پرسش سوم: در کدام آیه از قرآن کریم توصیه شده است که با حکمت و اندرزهای نیکو، مردم را به سوی خدا دعوت کنیم؟

۱. آیه ۷۰ سوره مبارکه آل عمران
۲. آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل
۳. آیه ۱۱۵ سوره مبارکه انعام
۴. آیه ۱۶ سوره مبارکه انبیاء

پرسش چهارم: امام صادق علیه السلام در پاسخ به یکی از صحابی که از چگونگی رفتار بایسته با اقوام و افرادی پرسید که با آن‌ها معاشرت داریم و شیعه هم نیستند، چه فرمودند؟

۱. به پیشوایان خود نگاه کرده و از آنان پیروی کنید

۲. با آن‌ها با مدارا و درعین حال قاطعیت رفتار کنید

۳. فقط کافی است که برای آن‌ها دعای خیر کنید

۴. گزینه ۲ و ۳

پرسش پنجم: براساس فرمایش امام رضا علیه السلام گرامی‌ترین افراد چه کسانی هستند؟

۱. کسانی که پاکیزه و با دیگران خوش اخلاق تر باشند

۲. آن‌ها که تقوایشان بیشتر باشد و به تقیه عمل کنند

۳. افرادی که همسر و فرزندان خود را خوشحال کنند

۴. آنان که گره‌گشای مشکلات برادران دینی خود باشند

مشخصات

نام و نام خانوادگی:

نام پدر: تحصیلات:

استان: شهر:

تلفن ثابت باکدشهر:

تلفن همراه:

————— پاسخ نامہ —————

مسابقہٴ فرهنگی «حدیث ہمدلی»

دیف / گزینه	۱	۲	۳	۴
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

مسابقہٴ فرهنگی «حدیث ہمدلی»

نمبر	موضوع	جذبہ کم	کم	متوسط	زیاد	جذبہ زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاہری (طرح جلد، اندازہ و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فہم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مقید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب سؤالات با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					

 نظرها، پیشنہادها و انتقادات: -----

..... فرستنده:

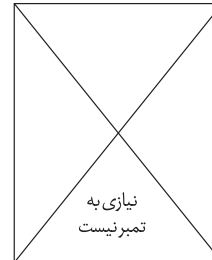
.....

.....

.....

.....

..... کد پستی:



پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد

شماره ۲۱۵-۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

شماره صندوق: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

